



مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی روز یکشنبه (۹) دیماه ۱۳۵۲

- فهرست مطالب**
- ۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل .
۲- ادامه مذاکره در گزارش يك شورى .
۳- تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه .

مجلس ساعت ۹ بعد از ظهر برباست آقای مهندس عبدالله ریاضی تشکیل گردید

اصلاحی سال ۱۳۵۲ و بودجه سال ۱۳۵۳ کل کشور مطرح است، آقای دکتر رئیس تشریف بیاورید .

دکتر رئیس - در جلسه قبل عرایضم راجع بامور روستاها بود و باینجا رسیدیم که مرحله دوم احتیاج روستائیان مربوط به بهداشت است و بهداشت را تقسیم بندی کردیم توضیحات من مربوط به برنامه ریزی بود و از پیشگیری بیماریها شروع کرده بودیم اما در مورد بیماریهای روانی که اصولا چه شده و چه هست طبق محاسباتی که انجام گرفته ۹۲۰ هزار فرد دیبل یعنی فرد عقب افتاده وجود دارد و ۴/۵ میلیون نفر آدم کم هوش و ۴۰۰ یابانصد هزار نفر آدم فوق العاده باهوش البته توضیح بدهم که ایجاد نگرانی نکند. این آمار، آمار دنیائی است و فکر نکنید که فقط مربوط بماست وقتی مرحوم کندی بخاطر خواهرش يك آمار داد که ۶ میلیون نفر در آمریکا وجود دارند که عقب افتاده هستند همه تعجب کردند بمان نسبت ۹۲۰ هزار نفر هم در اینجا هستند که عقب افتاده هستند ولی اگر دولت توجهی باین افراد عقب افتاده بکند خیلی تفاوت می کند اینها قابل تربیت هستند چه این ۹۰۰ هزار نفر چه آن ۴/۵ میلیون نفر با کوچکترین توجهی می شود آنها را افرادی باز آورد که نه تنها سر بر اجتماع نباشند بلکه بتوانند دردهای بقیه را

۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل
رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود .
(شرح زیر خوانده شد)

غائبین با اجازه - آقایان :

احتشامی - احتشام شهیدی - مهندس اسدی
لنگرودی - اسعد رزم آرا - امیر احمدی - پدرامی - دکتر
پرتو اعظم - مهندس پروشانی - جعفری - چنگیزی -
تحق شناس - ذوالفقاری - دکتر سعید - دکتر عظیمی -
فرنود - فضائی . موقر - زرین پور - خانم طالقانی -
خانم دکتر سرخوش - خانم ابراهیمی .

غائب بی اجازه :

آقای شیخ بهائی

غائبین مریض - آقایان :

توسلی - ایمان زهرائی - جوانشیر - جهانی -
خانقاهی . امیر علم خزیمه - اسمعیل خزیمه - مهندس
حسین خسروی - حسام رضوی - ریگی - دکتر رفیعی -
مهندس عباس زاهدی - سعید وزیری - دکتر شریف امامی
مهندس عطائی - کمالوند - دکتر مشایخی - مهرزاد خانم
ضرابی - خانم اسدی - خانم مزارعی .

۲- ادامه مذاکره در گزارش يك شورى کمیسیون
بودجه راجع به لایحه بودجه اصلاحی سال
۱۳۵۲ و بودجه سال ۱۳۵۳ کل کشور
رئیس - وارد دستور می شویم کلیات لایحه بودجه

درمان کنند. باین فورم می توان بر حسب نوع ناراحتی ها حتی تارسیدن به يك مرحله از مهارت هائی هم در کار پیشرفت کنند بجای اینکه یک نفر را بگیریم که مواظب اینها باشد و آنها را در تیمارستان بخوابانیم و مواظبان باشیم بایک مقدار کمی هزینه می شود ترتیبی داد که اینها علاوه بر اینکه سر بار نباشند که یک نفر از هر کدام آنها پرستاری و نگهداری کند بلکه این افراد خود کمکی هم با اجتماع بکنند. این بهداشت روانی مراحل مختلف دارد و گاهی چه انرژی های فعالی را از بین خواهد برد البته آن صحبت جداگانه است منظور این است که برنامه ریزی باید طوری باشد که این سرمایه ها و بودجه های مختلف که از طرف دولت پرداخت میشود باید در يك ظرف ریخته شود و از آن محل بر تمام امور درمانی نظارت شود تا همه بدانند که این سازمان مسئول درمان این قسمت است و با آن سازمان مسئول درمان فلان قسمت است. قسمت دوم درست است که دولت هم دارد می رود بطرف بیمه کردن همه، باید دید این استطاعت مالی در قبال فرانسیزها وجود دارد یا نه؟ یعنی ۲۵ درصد ۲۰ درصد و ۱۵ درصد و در بعضی از موارد ۴۰ درصد را می تواند یک نفر بدهد یا نه؟ من بعد میدانم باید فکر فرانسیز را بطور دیگری حل کرد سو کسیدادن بطیب بلی و فرانسیز گرفتن باین فورم نه. باید روی این موضوع فکر کرد گاهی مخارج آنقدر بالا می رود که پرداخت فرانسیز برای مریض مقدور نخواهد بود، مرحله اول تمام شد. مطلب دوم راجع بودجه است يك بررسی سطحی میکنیم بودجه مملکت روزی که ده میلیارد بوده و امروز که بهزار میلیارد رسیده بودجه بهداشتش رادر نظر میگیریم ببینیم این بودجه بهمان نسبت رشد کرده یا خیر، برای درمان مردم جا دارد که این بودجه را دو برابر و چهار برابر کرده برابر کنیم این باز ده دارد و هر چه سرمایه ریخته شود برگشت دارد (دکتر دادفر - ۲۱ درصد شده اگر تمام مؤسسات درمانی و بهداشتی را جمع کنیم و بودجه تمام وزارتخانه ها و سازمان های انتفاعی و غیر انتفاعی را در نظر بگیریم ۲۱ درصد بودجه کل است) از توضیحی که آقای دادفر دادند بسیار خوشوقت شدم ولی متأسف هم شدم که چرا با اینهمه پول بعضی از مردم هنوز هم يك آسپیرین نمیرسد این ۲۱ درصد هزار میلیارد

ریال را ببینید چه میشود (یک نفر از نمایندگان - يك بخش است) بهر حال آنچه من ببینم آن سرویسی که بمردم اقصی نقاط کشور داده میشود (یک نفر از نمایندگان - تا آخر برنامه پنجم ۲۰ هزار تخت خواب باید اضافه شود) انشاء الله، باز هم کم خواهد بود. چون خسته شده اید و حوصله تان سر رفته است بنده از صحبت هایم آنچه را که میشود گذشت میگذرم ولی در توضیح مطلب جناب دکتر دادفر عرض میکنم که اگر هم ۲۱ درصد باشد باز هم زیاد نیست. در کشور های اروپائی مطالعه شده سیستم درمانی انگلستان از همه جا ارزاتر است و مورد رضایت مردم هم نیست این سیستم درمانی مملکت آن هاست انگلستان بتدریج این بودجه را اضافه کرده است بودجه آن را میخوانم و باختصار میگویم در سال ۱۹۷۳ برای جمعیت ۵۸ میلیونی انگلستان ۲۵۰۰ میلیون پوند بودجه داشتند اما بدون هزینه های پیشگیری و تحقیق که هزینه سنگینی است در آن مستتر نشده مطابق با ۴۰ هزار میلیون تومان میشود برای آن کشور نسبت سرانه نصف این بما هم خواهد رسید پس هر چه در امر بهداشت سرمایه گذاری شود جا دارد و من چون ببینم همه شما باین امر موافقید از این موضوع میگذرم انشاء الله در سال دیگر در این قسمت قدمهایی برداشته شود. در مورد کادر بر خلاف گفته یکی از همکارانم که گفتند ۸۳۰۰ طبیب در این مملکت هست باید بگویم که ۹۲۰۰ طبیب هست غیر از دندانپزشک و معادل نصف آنها يك کمی هم بیشتر در تهران هستند با در نظر گرفتن تعداد زیادی هم که در اطراف تهران هستند میخوانم ببینیم سهم روستاهائی که بنده صحبت میکنم از این اطباء چند نفرند به هر ۳۵۰۰ نفر يك طبیب میرسد با احتساب تهران اگر در بعضی جاها مثل کهکلیوه که جناب آقای فرهاد پور میفرمودند برای هر ۲۰ هزار نفر يك طبیب وجود دارد و برای هر صد هزار نفر يك تخت خواب هم نیست. من عذر میخوانم که بازار کشور انگلستان مثال می آورم در همه جای دنیا پزشک کم است در انگلستان هم کم است میخوانم میزان کمبودها را بگویم در انگلستان ۷۵۰ هزار کارمند، دکتر و نرس در کادر درمانی در سیستم درمانی ملیشان کار میکنند از این ۷۵۰ هزار نفر در حدود

۶۷ هزار طبیب بر آورد اما سال است ۷۵ هزار طبیب میخوانند ۶۷ هزار نفر دارنده مام کم داریم ۴۰ هزار دکتر میخوانیم ۹ هزار نفر داریم، ما در مجموع ۱۵ هزار نرس و بهیار و ماما داریم که با آمار دقیق ۷۵۰۰ نفر آنها شوهر کرده اند و کار نمیکنند و يك تعدادشان بخارج رفته اند یعنی تعداد نرس و ماما از طبیب کمتر است در صورتیکه این نسبت باید ۱۰ بريك باشد (کازم مسعودی - میفرمائید چکار کنیم) داوطلب که زیاد است رشته اش هم که ساده است پول هم که دارید یک قدری ارشاد کنید که از دوره دبیرستان بجای اینکه دیپلمه بیکار باریاوريد يك مقدار نرسینگ یادشان بدهید. تعداد فارغ التحصیلان دانشکده های طب این مملکت تا امروز ۱۷ هزار نفر بوده ۳ هزار نفر هم فارغ التحصیل خارج را حساب کنید میشود ۲۰ هزار نفر و حالا ما ۹ هزار نفر داریم پس ۱۱ هزار نفر کجا هستند؟ اگر بخواهیم این موضوع را بررسی کنیم باید یکی از این سهره را انتخاب کنیم یا هر سه را انتخاب کنیم تا تعداد طبیب زیاد شود آنها که در خارج هستند داخل بکنید تعداد را زیاد کنید ۳۰ درصد هم که در کادر اداری هستند بکشیدشان وسط و از آنها استفاده کنید من نامه ای از یکی از فارغ التحصیلان آلمان دارم که خیلی از مسائل را مطرح کرده که متأسفانه با علاقه ای که دارم وقت برای خواندن آن نیست اجازه بدهید در اینجا تشکر کنم از يك گروهی از مؤسسات مربوط که رفتند برای جلب مغزها و با دلسوزی کامل رفتند اروپا و با بچه های آنجا صحبت کردند ۸۰ درصدشان حاضر شدند که برگردند و دارند می آیند این گروه شامل افراد مختلفی از وزارتخانه ها و سازمانهای مربوط بودند یک نفر از وزارت علوم مدارك آنها را ارزش یابی میکرد یک نفر از گمرک بود اموالشان را گمرک می کرد یک نفر از نظام وظیفه بود و یک نفر از مقامات امنیتی و يك نفر جهت استخدام وقتی رهبر خردمند و بزرگ اندیش این مملکت حتی سوء قصد کنندگان بخودشان را می بخشند. اگر جوانی جهالت کرد و در خارج يك رفتار مختصر منحرفی داشت که تنبیه و پشیمان شد و این ندامت را نشان داد اگر متنبه شده و بسزای کارهای ناشایست خودش رسیده و بعد باین هیأت می آید و

میگوید که من دلم برای وطنم، برای رهبرم و برای فامیلم تنگ شده و با هر شرایطی حاضرم بایران بیایم باید مطالعه کرد و بررسی کرد و او را برگرداند تا برای مملکتش خادم شود من امشب وقت ندارم که در اینجا درباره جوانها صحبت کنم و مختصر می گویم که گاهی برخاشگری ها از ناامیدی ها بوجود می آید من گفته های جناب آقای دکتر رشتی را نمیتوانم در این مورد قبول کنم من خودم سر خورد کرده ام در خارج چند بار در سفارتخانه ای رفتم مجبور بودم بعلت داشتن پاسپورت سرویس خودم را معرفی کنم دوبار رفتم راهم ندادند بعد مجبور شدم در را باز کنم البته باید بگویم من در انقلاب بزرگ شده ام من تمام خواص انقلاب را لمس کرده ام من از روستا می آیم من از اصلاحات ارضی می آیم در اینجا هستم که باید بگویم يك بی توجهی مأمور سیاسی چقدر بر روی جوانان اثر میگذارد همانوقت دکترهای افغانی با ما بودند و مرتب از سفارتخانه ایشان تلفن میکردند که شما چه کردید و چه میکنید. ولی من که بایک پاسپورت سرویس رفته بودم سه دفعه بمن گفتند که وقت نداریم البته نمی خواهم روی همه صحبت کنم بعضی ها هم هستند مثل همین گروهی که تازه بارو با رفتند و خدمت کردند و همینها باعث می شود که در حدود ۲۰۰ طبیب به ایران برگردد دلسوزی میکنند. مرحله دوم جلوگیری از خروج محصلین بخارج است سال گذشته ۶۲۵ دکتر از مملکت رفتند در حالیکه ۵۹۴ نفر فارغ التحصیل شدند باین وضع چطور می توانید بمرز ایده آلتان برسید يك دکتر چقدر خرجش هست، خیلی من گفتم ۹۰۰ هزار دبییل و ۴/۵ میلیون نفر عقب افتاده داریم. بلی يك دکتر که از ۲٪ باهوش است بعقیده من يك میلیون تومان تمام می شود غیر از مزایائی که پدش باو میدهد و خرج دبیرستان فقط دانشگاه البته گفته اند ۴۰۰ هزار تومان من قبول ندارم بودجه دانشگاه پزشکی تهران ۱۹۰ میلیون تومان است که اگر بیمارستانها را جدا کنید ۶۰ میلیون تومان می شود ۲۰ میلیون تومان سازمان برنامه کمک میکند این می شود ۸۰ میلیون ۱۰ میلیون تومان هم خود دانشگاه کمک کرده و اگر زمین و سرمایه گذاری دانشگاه را هم با قیمت قبل از خردا حساب کنیم

می شود ۱۴۰۰ میلیون تومان ، ۸ در صد سود آنهم می شود سالی ۱۱۰ میلیون تومان که باین ترتیب رویم می شود ۲۰۰ میلیون تومان ، چند نفر دانشجو داریم ۲۰۰ نفر ، پس می بینیم برای هر دانشجو ۱ میلیون تومان می شود این پولها مال کیست مال بیه زنها ، این که نشد ، این يك میلیون تومان را ما ملت خرج تحصیل يك پزشك بکنیم بعد برود و بازدهش را بخارج بدهد . آمار مرگ و میر کودکان مایک الی دودرصد است ولی آنها در ممالک خارج می خواهند سن متوسط افراد خودشان را بالا ببرند از ۷۵ سال به ۸۰ سال برسانند من می خواهم جوان ۱۹ ساله ام را نگاه دارم او می خواهد ترتیبی بدهد که پیر مرد ۷۰ ساله ۸۰ سال عمر بکند او حق دارد من هم حق دارم که بگویم این جوانی که از اینجا پول گرفته و اینجا درس خوانده بازده اش را اینجا پس بدهد (صحیح است) جناب المونی رسیدگی بفرمائید و ترتیبی برای اینکار بدهید وقتی می توانید اینکار را ارشادی یا اجباری بکنید که يك تحصیل کرده باید بیاید و دینش را بآب و خاکش و برهبر مملکتش و مردم مملکتش پس بدهد ما اینهمه احتیاج بمنخصص داریم جناب مهندس ریاضی میدانند ایشان با دانشجو خوب آشنا هستند و سالها ریاست دانشکده فنی را داشتند ما احتیاج فراوانی بدوران تخصص داریم و چون این دوره ها را نداریم در نتیجه اینها برای گرفتن تخصص می گذارند و می روند (غضنفری - پس اینرا بفرمائید) بلی همین را دارم میفرمایم (خنده نمایندگان) همین بچه ها را آمدند در آلمان یمه بازنشستگی برایشان درست کردند برای اینکه دکترهای ایرانی که در آنجا تحصیل می کنند بایران برنگردند ترتیبی داده اند که اگر قبل از ۲۵ سال بایران برگردند این پول را بایشان پس نمیدهند اینها را دولت می تواند حل کند البته ما صحبت کرده ایم دولت آلمان هم موافق است ولی میگوید دولت ایران با ماتماس نگرفته ، خوشبختانه رهبری صحیح در این مملکت کار را بجائی رسانده که تمام دول نسبت بما حسن نیت دارند و همه جا با آغوشی باز ما را استقبال می کنند . مثلا فکر کنید يك دکتر اگر اقوامی در تهران نداشته باشد بخواید بیاید بایران حداقل دو ماه سه ماه بگردد تا کار پیدا

کند بازن و بچه حداقل هر شبی ۲۰۰ تومان میشود ۲۰ هزار تومان اینها را قبلا باید آماده کرد و وقتی بایران آمدند بلافاصله آنها را بسرکار برد تا بامیل و رغبت بایران برگردند ، همین دکتر وقتی بخارج می رود با هلیکوپتر از فرودگاه بمحل کارش می برند با پول نمی شود يك سیستم در این مورد درست کرد این امر يك جنبه اخلاقی می خواهد حسن نیت می خواهد اینها دلشان می خواهد وقتی باینجا می آیند وسائل تحقیقی در اختیارشان گذاشته شود ، اینکارهای اداری باید در مورد ایشان کم شود ، کشور امریکا را مثال میزنم در امریکا دکترها در ۳۰ سالگی استادیار و ۳۵ سالگی دانشیار و در ۳۸ سالگی استاد میشوند تا این شرایط موجود نباشد آنها باینجا نمی آیند ، باید این شرایط را برای آنها ایجاد کرد و باید بآنها میدان داد ، در خود امریکا ۷ هزار طبیب در سال فارغ التحصیل می شود در صورتیکه ۱۴ هزار طبیب می خواهد بآنها نمی شود ایراد گرفت این ماهستیم که باید حاسمان را جدا کنیم ، در حدود ۴۰ هزار مهندس در آن دیار فارغ التحصیل می شود در صورتیکه ۷۵ هزار مهندس لازم دارند . کمبودشان را از کشورهای دیگر جذب میکنند شیده ام استادان در اینجا سوار مینی بوس می شوند مثلا میروند رشت و بچه ها را جمع میکنند بعد از ظهر پنجشنبه و درس میدهند و در آن مسیر چند تا دانشکده هم هست آنجا هم درسی میگویند و بعد با همان مینی بوس بتهران سرکارشان برمیگردند و بقیه را هم ول می کنند بامید حضرت عباس ، خوب بازده این کارها چیست ، این ارزشش را پائین می آورد ، ۱۶ درصد از فارغ التحصیلان ما در رشته های مهندسی هستند ، همین ۱۶ درصد هم درست برنامه ریزی نشده يك درصد از دانشجویان ما دانشجوی رشته نفت هستند با اینهمه صحبتی که راجع نفت میکنیم و با اینهمه پیش بینی هائی که میکنیم راجع بمعادن ۳ درصد واز مهندسين کشاورزی ۶۵ درصد آنها در تهران شاغل هستند این مسائل باید حل بشود (کاظم مسعودی - شما هم که دکتر هستید در کار سیاست نروید) البته ؛ ولی وکیلی هم لازم است که بیاید اینجا و از آنها دفاع کند اگر دکتر نباشد پس این دردها را کی بگوید

توی اقلیت به بینید چند تاست دکتر اسدی که فوت کرد و خدایش بیمارزد ما ماندیم و سه چهار نفر دیگر اینرا هم شما نمی توانید ببینید ، ماشاء الله اکثریت را ببینید ، مثل اینکه ۴۵ نفر هستند آنها بروند چرا مانده اند ، اینها همه مدیریت می خواهند بنده راجع بمدیریت يك چیزی بعرضتان می رسانم ، مدیریت بهترین و عالی ترین هنر انسان است این مدیریت است که می تواند اینها را کجا بنشانند و با بر نامه های پیش بینی شده با استقبالشان بروند من بودجه را بررسی کردم و دیدم در حدود ۲۰٪ بودجه دانشگاه تهران اضافه شده بانوجه به اشل حقوق که بالا می رود و استادان فردا اضافه کار میخواهد کلاس میخواهد اینها را من بررسی کردم و دیدم مثلا بودجه تحقیقاتی کم شده و صفر درصد اضافه شده باید در این قسمت هاهم سرمایه گذاری شود تا انسانهای کار دارن و مدیر درست شود اصولا این پیش بینی ها را با چه میخواهید بسازید ۴۰ هزار دکتر کی باید آماده شود با این کوره های آدم سوزی بنام دانشکده بعضی از اینها دانشجو نیستند ، دانشنامه جو هستند مثلا کنکور گذاشته اید آیا این کنکور است يك وقت بود که کنکور رشته ای بود و بچه میدانست کجا برود و استعداد هر جاداشت با آنجا میرفت حالا کنکور سرتاسری گذاشته اند رشته های اول که قبول نشد رشته های بعدی می رود ولی این بچه استعداد آن رشته را ندارد مثلا میخواسته دکتر بشود می آورند در رشته معماری میشانند هم وقت خود و هم وقت دانشکده را ازین میرود ، تا این دانشجو بمیل و استعداد خودش سر کلاس نرود بازده خوبی نخواهد داشت و اما راجع به معلمها ما میگوئیم ۶/۵ میلیون شاگرد داریم و ۱۳۲ هزار معلم چقدر ما معلم تربیت کرده ایم کی و چه جوری تربیت کرده ایم ، بعضی از معلمها آن قدر در آمدشان کم است که نمیتوانند و این برایشان يك شغل موقت است ، يك آدم اگر بطور موقت هم بیاید و در خانه شما کار بکند کار دلسوزانه نمیکند در آلمان ۷۲ درصد از محصلین حرفه می آموزند و ما ۳ درصد محصل حرفه ای داریم و با این سرعته که بطرف صنعتی شدن میرویم احتیاج زیاد بحرفه ای شدن داریم حالا چرا استقبال نمیکنند چون حرفه را بصورت دست دوم در آورند راجع باین مسائل باید فکر اساسی کرد با همینکه چند تا بچه را جمع کردند و بردند کنار دریا در بلاژها ، کار درست نمیشود جز اینکه بکعده

شان هم بدعادت تر شوند . راجع به تخت صحبت کردیم تعداد تختمان ۳۸ هزار است چه مؤسسات خصوصی و چه مؤسسات دولتی پیش بینی دولت ۴۵ هزار بوده و برای هر ۱۰۰ هزار نفر ۱۵۰ تخت خواب بوده که حالا ۱۲۱ تخت هست و این تعداد خیلی کم است باید هر چه زودتر و بطور عاجل فکری در این مورد بکنند الآن بیمارستان هائی وجود دارد که سرپرست حساسی ندارد چند روز پیش بیمارستان مولوی بودم بسیار متأثر شدم مریض می آید پرستار نیست چهل درصد از پرستاران این بیمارستان پارسال رفته اند چندین میلیون تومان آنجا خرج شده و برای صد هزار تومان اتمام ساختمان معطل است و باز بصورت مخروبه باقی مانده گفتم چرا اینطور است ؟ گفتند بودجه مان تمام شده قرار بوده که شیر و خورشید اینجا را تحویل بگیرد ولی گفته چون کادر ندارد نمیخواهم بالاخره این بیمارستان الآن دارد کار درمانی میکند مال این مملکت است میگفتند ۳۰۰ هزار تومان بودجه داروئی داشتیم و بخاطر اینکه بچه زن صیغه ای بودیم آنرا کم کردند و به ۷۰ هزار تومان رساندند همینطور بیمارستان لولاگر (یکنفر از نمایندگان بیمارستان مولوی کجاست) بیمارستان مولوی سابقاً مال شهرداری بود و امروز اسمش بیمارستان مولوی است و در خیابان مولوی است و حدود ۴۰ - ۵۰ تخت آن باقی مانده و بیمارستان لولاگر در خیابان سلسبیل است از پارسال تا حال ۴۰ نفر پرستار آن رفته چون نتوانستند اضافه کارش را بدهند ساختمانش دارد خراب میشود ۲۵۰۰ درمانگاه در این مملکت وجود دارد که بعضی طبیب ندارد و درمانگاههای محل غالباً بدون طبیب هستند . باور کنید که خیلی از مرگ و میرها بعلت کم کاری ماست آن که در روستا از مرض آبانديست میمیرد فکر میکنند که از طرف خداست در صورتیکه نتیجه اهمال و کم کاری ما است (یکنفر از نمایندگان - کاری کنید که دکترهای مجلس بنوبت بروند بروستا) ولی اینکار هم درد را دو انمیکند با این چند تا طبیب کاری نمیشود کرد باید بفکر هزار و ده هزار بود قبول بفرمائید که باید این مطالب را کلی تر تلقی بفرمائید این اسباب هائی که بعنوان طب و طبابت وارد می شود بسیار گران است ، راجع بدوا من بررسی کردم دیدم که در حدود ۲۰۰ قلم دواي لازم برای مملکت وجود دارد ، اسپسیالته ،

قبلا ۱۰ هزار تابوده و الان هم ۵ هزار تاست و همین امر هر چه و مرچ در بازار ایجاد کرده و قیمت های نامتادل ایجاد کرده ، جناب دکتر بهزادی يك پنیسیلین ۴۰۰ هزار واحد پروکائینه دوریال و نیم است و همین پنیسیلین از کارخانه های دیگر يك تومان دو تومان و چهار تومان است ، يك نوع کورتیزون را حساب کردند هر کیلو گرم آن يك میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بفروش میرود اگر حساب کنیم نیم میلی گرم آن ۶ ریال باشد میلی گرم را به گرم و مثقال و سیر حساب کنید يك کیلویش معلوم میشود . نظیر همین چند برابر ارزاتر وجود دارد ، تمام این قرص های مسکن که اصل آن اسید سالی سیلیک است که هر کیلویش ۱۰ تومان است اینها را وارد می کنند و همینطور قرص درست می کنند و کیلوئی ۲۵۰ تومان می فروشند . همین ها باعث شده که نیروی فعال داروسازی عاطل و باطل شده دکتر داروساز یعنی چه ، چه می سازد داروسازی که ۷ سال زحمت می کشد خرج برای دولت می تراشد الان ۹۰ درصدشان جذب بازار اشانتیون و تبلیغات داروئی و داروخانه ها می شوند ۱۰ درصد در کارهای علمی هستند . در هر دو اخانه هم يك مقدار دواى آماده و اشانتیون هست و کافی است کسی يك کمی سواد داشته باشد که بتواند روی این دواها را بخواند تا بتواند آنجا را اداره کند حتی يك مقدار دارو در ایران ساخته می شود که لیسانس ندارند یعنی ۱۵ درصد از داروهائی که در دنیا ساخته میشود بی لیسانس است و همین تبلیغات زیاد باعث شده که ما اطباء را و ادار به نسخه نویسی بیش از حد کنند . شنیدم که تعداد اقلام داروئی که بوسیله اطباء در ایران نوشته میشود بیشتر از هر جای دیگر است مثلا در مورد همین آنفلوانزا و ویروسی که عقیده داریم که هیچ نوع آنتی بیوتیک درش اثر نمیکند چهار پنج جور آنتی بیوتیک به مریض میدهند و معلوم نیست اگر روزی این مریض يك مرض سخت تر گرفت چه باید باو داد و این امر هم پول وهم نیروی انسانی ما را از بین میرود .

دکتر کفالی - بدولت چه مربوط است .

دکتر رئیس - مربوط است ، این از کارهای ارشادی دولت است نیروی داروسازهای ما دارد از بین میرود ،

از اینها در لابراتوارها و در کارهای تحقیقی باید استفاده کرد .

دکتر کفالی - یعنی میفرمائید دولت با طباء بگوید چه جور نسخه بنویسند بیخود ایراد نگیرد .

دکتر رئیس - اولان می توانم ایراد بگیرم اگر میفرمائید نمی توانم من میگویم که می توانم در این مملکت ۱۵۰ نوع آنتی بیوتیک وجود دارد و ۱۳۰ نوع آنتی ستامیک و ۹۰۰ داروی ضد عفونی کننده اینها بقدر لازم نیست باید آنچه را که بدردمی خورد و مؤثر است از بین اینها جدا کرد برای اینکه بدانید که این اقلام اغلب بی فایده است سرتان را درد آوردم از همه شما عذر می خواهم اگر ناخود آگاه در يك قسمت پاروهای عده ای گذاشتم باید مرا ببخشند (دکتر دادفر - کسی ناراحت نشد ، پا روی پای کی گذاشتید؟) چون می بینم که بعضی ها ناراحت شدند بهرحال امیدوارم راجع باین اموری که گفتم مطالعه بیشتری بشود چون درد را باید دوا کرد خیلی خیلی متشکرم و امیدوارم آنچه را که از بنده تازه وارد بامور سیاست دیدید ببخشید (احسن - احسن) .

رئیس - آقای دکتر بهزادی بفرمائید .

دکتر بهزادی - با اجازه مقام ریاست و همکاران محترم بنام خدا و در ثنای رهبر بزرگ باخواندن این دوبیت آغاز سخن می کنم :

ثنا بر رهبر بزرگ و رای او

بفکر رهنمون وره گشای او (احسن)

بانقلاب ژرف شاه و مردمش

بشیوه تفکر رسای او (احسن)

هدف انقلاب اجتماعی ایران تأمین بهروزی و کامیابی و اعتلاء حیثت مادی و معنوی انسان هائی است که در وطن مازندگی میکنند .

نیازهای مادی و معنوی انسانها مضمونی است متحول که سازمانها و معیارها و ضوابط باید بطور بی گیر و دائم با آن هم آهنگی داشته باشند .

تمام نهضت های انقلابی در آغاز حیرت در جرم وجود هر خود برای پیشبرد آمال انسانها انگیزه هائی

داشتند و همین مناسبت در حد واقعت سازمان هائی برای رسیدن اهداف آنها بوجود آمد ولی چه بسا در طول زمان هدف فدای وسیله شد و آن نهضت ها در دل تاریخ جای گرفتند .

لذا مسئله پاسداری انقلاب مضمون مورد توجهی است که باید جدی گرفته شود به زعم من پاسداری انقلاب ایران از دوسو با دقت نظر اعمال میشود از يك سو بوسیله مراقبت بیدریغ رهبر خردمند ایران و از سوی دیگر ملت بهره مند ایران از مزایای انقلاب که حزب ایران نوین در صف مقدم آن قرار دارد وقتی میگوئیم که انقلاب مستمر و مداوم است باین معنی توجه داریم که در مقابل مشکلات جدید معیارهای تازه تر بیافرینیم و راه حل تازه ای در نظر بگیریم با معیارهای چند سال پیش ، مسائل انقلاب امروز را نمی توان حل کرد .

در بطن انقلاب دسته های جدیدی بوجود می آیند که باید از طریق نظم و قانون آنان را با انقلاب هم آهنگی داد .

آنچه را که در انقلاب زراعی بعمل آمد ، آزاد سازی نهادهای اجتماعی روستائیان و دموکراتیزه کردن روابط بود .

و آنچه در زمین فروش سهام کارخانه های خصوصی و دولتی بعمل آمد ، توزیع عادلانه در آمد و آشتی دادن سرمایه و کارها از طریق رهبری اقتصاد هدایت شده است .

آقای زهتاب فرد بیاناتی فرمودند و تشریف بردند ایشان نگران بودند مبدا يك فتوای يك مرجعی آنهاست که گاهی با استخدام گرفته میشوند بمناسبتی آنها خطری برای انقلاب ایران داشته باشند نه اینطور نیست در بطن و درون انقلاب تمام انقلابات دسته های جدیدی پیدا می شوند که بایستی در مقابل آن دسته ها مجهز بود و بسبب نظام انقلاب ایران آنها را باید در پناه نظم و قانون با موازین انقلاب ایران هماهنگی داد (آفرین) در مسأله روستاها صحبت شد من بایستی در جهت مادی و معنوی آنچه را که بعرض رساندم بحث کنم و اشاراتی هم در مقام پاسخ بعرض برسانم . آیا

بند های بندگی و رقیت از دست و پای زارع پاره بشود و

کنار گذاشته شود این اعتلای معنوی نیست ؟ آیا اگر کارگر در کارخانه بعنوان يك کارگر شریف تلقی شود این اعتلای معنوی نیست ؟ متأسفم يك قدری شرمنده هستم که بگویم امروز دوست عزیزم آقای زهتاب فرد طوری کلمه سپور را در پشت این تریبون گفتند که آنها را صبح زود در خیابانها ندیدند که واقعا مرا متأثر کرد آنها کارگرهای شریفی هستند ، آنها خدمت میکنند من اینرا از لحاظ پاسخگوئی عرض نمی کنم اعتقاد من این است .

شیخ رضایی - آقای زهتاب فرد بکارگرها احترام گذاشت گفت در آن خیابان مخصوص نبودند .

دکتر بهزادی - خیلی متشکرم ، البته ما در نهاد خودمان و در ذهن خودمان بسیاری از مسائل را بررسی میکنیم ولی وقتی در لباس کلمات می آید باید بآن توجه داشته باشیم امیدوارم من بد متوجه شده باشم . در مورد مشکلاتی که در قسمت صنایع هست و مسأله تولیدات صنعتی مطالب بسیاری گفته شده ما دارای اقتصاد رهبری شده هستیم و صنعت در بخش خصوصی تحت کنترل هست در اینجا یکی از ناطقین فریاد کرد در کشورهای دولتی باعث گرفتاری است و ضرر میدهند و بعد بلافاصله فریادشان از کارخانه داران خصوصی بلند شد البته هر کدام بجای خود شاید معنائی داشته باشد در مورد رهبری اقتصاد شاهنشاه شرکت سهامی عام را تجویز فرمودند و باید بدرستی این دستور شاهانه اجراء بشود و این راه ورسمی است که نظام انقلابی ما انتخاب کرده اما در قسمت درمان و بهداشت و آن قسمت که من میبایستی در اطراف آن صحبت کنم خیلی روشن است مسئولیت بهداشت و درمان باوزارت بهداشتی است و این را در قانون برنامه عمرانی پنجم خود نمایندگان محترم تصویب کردند و این مأموریت و مسئولیت باوزارت بهداشتی واگذار کردند و در همان برنامه بازم تجویز کردند که باید امور درمانی در لباس هم آهنگی تحقق پیدا کند اگر بروید روی اعداد ۷۸ - ۹۲ و بیشتر و کمتر و بگوئید این تعداد مؤسسه درمانی در این مملکت هست کافی نیست باید بنحو فعالیت آنها

مراجعه شود حقیقت این است که با توجه باینکه وزارت بهداشتی مسئولیت بهداشت و درمان را دارد در مملکت

ما مؤسسات خیریه گسترده ای وجود داشت و دارد که همه تحت سرپرستی خواهران نیکوکار شاهنشاه آریامهر اداره میشود و بخوبی هم اداره میشود و چون در امر درمان تخصص پیدا کرده بودند و پیش از اینکه این بیمارستانها بشیر و خورشید و اگدار شود ۱۲۰ بیمارستان را هم اداره میکردند بامر مطاع شاهنشاه بموجب قانون بیمارستانها بشیر و خورشید سرخ تعویب داده شد و بشیر و خورشید سرخ علاوه بر اینکه در جنب کارهای اساسی اصلی خودش که امداد است و آموزش است و مسائل بین المللی است در مورد بیمارستانهای واگذاری امر شاهنشاه را و نیت قانونگذار را بدرستی جامه عمل پوشانده است بشیر و خورشید در جنب کارهای درمانی روزمره تعداد زیادی نیروی انسانی از نوع پرستار، بهیار، تکنیسین پرورش میدهد و سایر مؤسسات درمانی مملکت هم همین کار را می کنند بشیر و خورشید کوشش کرده تسهیلاتی که بامر اعلیحضرت فراهم شده است توانسته است بطور دقیق و صحیح تعداد ۲۰۸ نفر از پزشکان متخصص را از خارج مملکت استخدام کند و تسهیلاتی برایشان فراهم کند و آنها بیایند از این تسهیلات استفاده کنند و دینشان را بمملکت اداء کنند. در مورد تعدادی از پزشکان که برای احراز تخصص بخارج میروند باز هم تمهیداتی شروع شده است باین معنی که تعداد معینی دستیار دانشکده ها می پذیرند یکی بدلیل نداشتن امکانات مالی بشیر و خورشید سرخ با چندتا از دانشکده های پزشکی قرارداد بسته که با پول و حقوقی که بشیر و خورشید میدهد آقای عباس میرزائی اینجا نیستند تعدادی رزیدنت به بیمارستانها میروند و تخصص پیدا کنند و سال آخر آسیتانی را در یکی از بیمارستانهای بشیر و خورشید بگذرانند تا باین دلیل بایند آن بیمارستان بشوند و در آنجا خدمت کنند در مورد مشکلی که در قسمت امور درمانی هست کمبود پزشک است و در این تردیدی نیست و توزیع غیر عادلانه جغرافیائی پزشکان اکثریت پزشک متخصص در تهران هستند و اکثریت پزشکان هم در تهران هستند.

یکتفراز نمایندگان - آنها هم که از خارج می آیند

میل دارند در تهران بمانند.

دکتر بهزادی - امید ما این است که آنها

که از خارج می آیند برای مراکز استانها و شهرستانهای بزرگ در نظر بگیرند و بطوریکه در برنامه پنجم پیش بینی شده است نیروی متخصص بطرف روستا نمرود نیروی متخصص باید در مراکز استانها و شهرستانها باشد و بروستائیان البته بداشتن راه و وسایل نقلیه و داشتن امکانات خدمات درمانی بدهند. کمبود نیروی انسانی از چه طریقی تأمین میشود و توزیع غیر عادلانه جغرافیائی نیروی پزشکی بجه شکل قابل حل است یکی از آنها جنبه اخلاقی و ایمانی دارد (احسن) که واقعا اساس کار ماست و اساس زندگی ماست ما با معادلات ریاضی دو - دوتا چهارتا که این کار را برای من بکن من هم اینکار را برای تو میکنم بجائی نمی رسیم ما باید مجهز بشیر و اخلاق و ایمان باشیم (آفرین) البته بنده باز هم چنانکه آقای مظهری میدانند معتقدم که معنویات هم با ابعاد مادی سنجیده میشود باین معنی که اگر بگویند شما مرد شریفی هستید یعنی از پول میگذرید با گذشت هستید که از پول می گذرید مبنای پایه های اخلاقی و ایمانی ما با صحبت بوجود نمی آید اگر ایمان سستی نباشد ایمان انقلابی هست (احسن) باید برای پزشکان اول تسهیلات بیشتری قائل شد پزشکی که باید در جاه بهار برود خدمت کند باید حقوق بیشتری بگیرد و خیلی بیشتر از اینها باید تأمین بیشتری داشته باشد و بهمین دلیل نمیروند و چون تأمین نیست باید مطمئن باشند اگر بروند بعد از دو سال، سه سال، چهار سال، پنج سال برمیگردند این را خوشبختانه وزیر محترم بهداری در کمیسیون بودجه قبول کردند و فرمودند برای این موضوع ضوابطی را در نظر خواهند گرفت ولی بشکل دیگر در روزنامه ها که آنها احترام میگذاریم اینطور منعکس است که دو نمی کند توزیع جغرافیائی و پزشکان مربوط میشود باز دیاد نیروی انسانی این دیگر کارخانه چیت سازی و قرقه سازی نیست زمان می خواهد در برنامه دودانشکده پزشکی و چندتا دانشکده هست که روستا پزشک با هراسم دیگری تربیت می کنند در نظر گرفته اند تعدادی از خارج بیایند ولی اینها زمان می خواهد بما میگویند این کلمه را من دوباره گوئی میکنم بما میگویند چرا ده سال پیش

شما بفکر دانشکده های امروز نیفتادید عرض کردم نیازهای انسان مضمونی است متغیر و تابع زمان است شاید در ابتدای انقلاب هیچک از مسائل مثبت این روز را پیش بینی نمی کردیم (احسن) روز بروز احتیاجات ما بحق بیشتر میشود و دستگاه اجرائی اگر دو اسبه بتازد بان نرسد (احسن) تصدیق میکنم که روستائیان از خدمات درمانی چنانکه باید استفاده نمیکنند و این تنها نمایندگان انقلاب شاه و مردم و سپاهیان بهداشت هستند که به درد مردم میرسند دوست ما در اینجا گفت که باید درآمد کشاورزان بالا برود برای اینکه پزشک برود و ویزیت بگیرد ما مطلقا باین کار موافقت نداریم سیاست دولت سیاست بیمه درمانی است گرفتاریهایی که در مسیر کار طبابت داریم حق ویزیت است چرا آنرا دور مرتبه در سطح ده پیاده کنیم و گرفتار و بالاش بشویم مناسبات بیمار و پزشک مسأله ایست اساساً معنوی و این در حد خریدن اسباب و اثاثیه منزل نیست باید بتدریج روابط عاطفی بین پزشک و بیمار پیدا شود در بیمه های درمانی انتخاب آزاد طبیب پیش بینی شده یعنی تأمین خدمات درمانی کارمندان دولت در آن ملحوظ است پزشک را باید خودشان انتخاب کنند ولی شما میدانید که کارها با انتخاب آزاد يك پزشک در طب جدید درست نمیشود وقتی يك پزشک عمومی مراجعه می کنیم بعد از معاینات لازم اگر احتیاج باشد ما برای کارهای طبی خیلی جاهای دیگر میفرستند ممکن است پیش متخصص بفرستد، ذهنمان را از دوران حکیم باشی ها که با گرفتن نبض مریض را معاینه میکردند خالی کنیم اینها تاجر و ارتجاع فکری است در مورد برنامه هایی که برای روستائیان هست امیدوارم اجراء شود البته اگر یکی از نمایندگان محترم آقای فرهادپور الآن در اینجا تشریف ندارند برای بویرا احمد و که کیلویه راجع به کمبود پزشک حرف میزنند من میدانم ناموجه نیست باید به آنجا رسید کما اینکه بشیر و خورشید بیمارستانی را دارد تأسیس می کند و در آخر سال از آن بهره برداری میشود البته با بودجه دولت است وقتی صحبت می کنیم در آنجا پزشک نداریم چه عیبی دارد بگوئیم که در آنجا دارند يك بیمارستان هم میسازند. و وقتی بیمارستان را ساختند مسلما با دقت و پیگیری که ایشان دارند پزشک و جراح

مصطفوی نائینی - رئیس نظام پزشکی مرد وطنپرستی است.

دکتر بهزادی - همه با احترام میگذارند و جناب

آقای دکتر اقبال استاد خود من هم بودند. يك مقدار صحبت دارم با آقای دکتر رئیس فرمودند در حزب مردم مقام قسمت نمیکنند خوب ندارند که تقسیم نمیکنند اما حزب ایران نوین مثل اینکه بآنها مقام هائی داده وقتی از دولت صحبت میکنید این فکر را داشته باشید که خودتان بنحوی از انحاء در دولت شرکت دارید فرمودند بودجه توری است دلیل نیاوردند اینطور حدس میزنم که این نظر

ونیت جناب آقای رامبد را ایشان تجدید کردند مسلماً در این مورد کارشناسان اقتصادی پاسخ خواهند داد چون این تورم غیر از آن تورمی است که در طب هست و ما بصیرت داریم اکثریت مردم در روستاها زندگی میکنند مشکلات روستا را فرمودند اما باید با نهایت شرمندگی بعرض برسایم که در گفته دوستان تناقضی هست یکی از دوستان اقلیت تری داشت می گفتند باید طب مجانی باشد و این شعاری است قدیمی ما هم میدانیم اگر بشود ما هم بدمان نیاید ولی یکی دیگر از آقایان میگویند پزشکان باید حتی در روستاها حق ویزیت بگیرند اینکه در آمد سرانه را ۲۴ تومان حساب میکند همین ۲۴ تومان را خرج نمیکند هر هزینه ای که بیمار بیمه شده باید پردازد غیر از آن فرانسیز آنهایی پردازند هر چقدر باشد در بیمار بیمه شده اثری ندارد متأسفم ایشان نیستند افسانه سرائی کردند در اینجا جوك گفتند که در شان طبیب نبود که بکفر رفته است ۵ تا نمره گرفته است ما هم وقتی دور هم جمع میشویم از این جوك ها برای انبساط خاطر میگوئیم ولی جایش اینجا نیست باور کنید متالم شدم نمیخواستم نسبت بدوستم معترض باشم، گفتند بهداشت و درمان خراب است ساده است دلیل نمیخواهد بهمین سادگی، وزارت بهداشتی بدون اینکه بنده بخواهم مدهانه کنم در امر بهداشت موفق بوده است چون در امر درمان موفق نبوده است بیمارستان هایش واگذار شد در کمتر مملکتی است از مملکت همجوار که مایه کوبی سرخ آن باین سرعت و وسعت که در مملکت ما شده عمل شده باشد در مورد مبارزه با مالاریا موفق شدیم نه بآن شکل که آقای دکتر ریسی فرمودند ایشان بدعتهای پزشکی داشتند که دوستان پزشک من خیلی اصرار داشتند که همه را بگویم ولی بمقتضای وقت عرض نمیکنم در کشور همجوار ما مالاریا بآنصورت اولیه اش هست پشه را که نمیشود با گذرنامه وارد و خارج کرد می آیند بنابراین کارمندان مبارزه با مالاریا مثل سربازانی که برای جنگ آماده هستند باید آماده باشند تا یک روز اگر اتفاق افتاد بروند و مبارزه کنند علاوه بر اینکه اینکار را میکنند در امر واکسیناسیون سرخک و سل ما مورین مبارزه با مالاریا اقدام میکنند

فقط از نظر مدیریت سلیقه وزیر محترم بهداشتی این بود که این سازمان مستقل نبوده و جزء بیماری های واگیر باشد در عمل و قسمت اجرائی هر تغییری بدهند بضرر مملکت است بنده راجع باینکه بودجه پرسنلی است و برنامه ای نیست بحث نمیکنم برای اینکه اقلاً در مورد نفت و گاز و پتروشیمی و صنایع فولاد سرمایه گذاری پرسنلی نیست اما در مورد برنامه ریزی در امر درمان و بهداشت باید ذکر کنم مسأله مصدومین و مسمومین را در همین شهر تهران يك پروبلمی است که باید با دقت و سرعت عمل و چاره اندیشی بشود در کمیسیون بهداشت حزب ایران نوین که من بعضویت آن افتخار میکنم (احسن) و من هر چه آموختم از مکتب حزب بوده و اگر برداشت من خوب نباشد در سخنوری و بحث نقص در خود من است که شاگرد خوبی نبوده ام دو طرح یکی برای مسمومین و یکی مصدومین که طرح اخیر را دوستم آقای دکتر نایی پیشنهاد کردند که چون در حزب ما جنبه فردی وجود ندارد میروود بررسی میشود و بنام کمیسیون بهداشت حزب امیدوارم نتیجه گیری بشود و این همان طرحی است که در کمیسیون دارائی آقای رامبد شما فرمودید و تکلیف کردید که بایستی پزشکان دنبال این طرح بروند و امثال امر شما نیز ملحوظ گردید (رامبد - تشکر دارم) در مورد سل دوستم در پزشکی سلیقه مخصوصی داشت ما بحث پزشکی نداریم تخصص من در این قسمت است در مورد آنچه ایشان فرمودند اگر در روزنامه خودتان هم منتشر شود و دوستان بخوانند گمراه میشوند گفتید برای پیش گیری سل دوی خوراکی میدهند هیچ کجای دنیا دوی پیش گیری سل نمی دهند اجازه بندهید اظهار فضل کنم در یکی از مکاتب علمی ایتالیا که در آنجا تعداد مسلولین زیاد بودند آمدند و اکسنی تهیه کردند با اسم BCG که در مقابل داروی مهم ضد سل مقاوم باشد معمولاً از این سو مایه کوبی میکنیم و از آن سو دوا بخوریم اثر مایه کوبی را از بین میبرد آمدند مایه ای تهیه کردند که در مقابل این دارو مقاوم باشد و پیشنهاد کردند که ما در جاهائی که وسعت عمل داریم بیاییم در ضمن مایه کوبی BCG دوا هم بخورانیم که از نظر سازمان بهداشت جهانی مقبول نبوده و رد شده فرمودند بیمار نباید

بستری بشود بیمار در شرایط معینی باید بستری شود بنده هرگز فکر و آرزو ندارم که يك مسلول در خانه ایشان باشد ولی بمحض اینکه کشف کردند در بیمارستان خواهند خوابانید اما چه نوع مسلولی بستری میشود آنهائیکه مبتلی سل پیشرفته هستند آنهائی که نیاز بعمل جراحی دارند جراحی که در سینه میکنند نمیشود در منزل انجام داد و بیمارانی که میکروب مقاوم پیدا کنند و میکروب مرتب بیرون بریزند این نوع بیماران از خطرناکترین بیماران هستند برای اینکه دیگران را بیک نوع سل علاج ناشدنی مبتلی میکنند اینها هم باید جدا شوند بنابراین دوست عزیزم باید توجه داشته باشند که بیمار مسلول را هم بستری می کنند جناب آقای رامبد من خودم در وزارت بهداشتی کار فنی را انتخاب کردم شما تصور نفرمائید اینجا ایستاده ام اگر صحبت در مورد وزارت بهداشتی میکنم در ردیف کارمندان اداریش خواهم بود بنده يك سازمان مبارزه با سل را اداره می کردم تمام مردم اعم از زارع، کارگر، مردم عادی مراجعه میکردند ما با دستگاه مینوگرافی که با سرعت عکسهای کوچک بر میداشت سینه شان را معاینه میکردیم آنهائی را که بیمار بودند جدا میکردیم تعدادی را که میشد در درمانگاه معالجه کنیم سرپائی معالجه میکردیم و تعدادی را به آسایشگاه میفرستادیم ولی همیشه تخت های آسایشگاه جوابگوی بیماران مان بود و اینکه عرض کرده بودم در کادر وزارت بهداشتی کار فنی می کردم و بعد ما خواهم کرد این نکته بخاطر متبادر شد که وزیر محترم بهداشتی در کمیسیون بودجه قول دادند که حتی الامکان از پزشکان در مقامات اداری استفاده نکنند و آنها را بکارهای پزشکی بگمارند ولی چه تعدادی از این پزشکان را که از دستگاه اداری بیرون کشیده میشوند بشهرستانها خواهند فرستاد بستگی دارد بآینده و قضاوت ما شتاب زده است فرمودند اتوبوس دوم میکنند ما هم میدانیم که دو دو میکنند امیدواریم دولت همانطور که نیت شاهنشاه است و شاهنشاه اراده فرمودند که وسائل نقلیه عمومی و خصوصی باید با نیروی برق حرکت کند و حرفی که شاهنشاه میفرمایند حرف عادی نیست حرف بنده نیست که بگویم مسلول را باید با آسایشگاه برد و دیگری بگوید که نباید برد، آن وحی

است برای ملت ایران تا خدمات اجرای امر را فراهم کند اما در شرایط روز اگر همین اتوبوسهای دودکن را کنار بگذاریم چه بکنیم مردم خطوری بروند سر کارشان فرمودند یک دستگاه تعیین میزان اکسید دو کربن داشتیم که در محلی صد برابر میزان عادی را نشان میداد. آنکه همه را می کشد، ایشان نسبت باعداد خیلی سپاس و احترام نداشتند دوست عزیز من فرمودند مدیریت عالیترین هنر انسان است آقای مظهری شما که اهل هنر هستید و دیگران این مدیریت را در ردیف هنر بشناسید و حیث که تولستوی در گذشت والا در کتاب هنر چیست و هنرمند کیست این هنر را هم می گنجانید. مسئله دارو را فرمودند مسئله دارو باید حل شود اما ایشان فرمودند يك مریض را بجای دوا گچ دادند مریض خوب شد نمیدانم این بر اساس چه اندیشه ای است. ما در يك بودجه باید به کمک معیارهای انقلابی بگوئیم این سیاست اقتصادی غلط است و در مقابل سیاست دیگری عرضه بکنیم نه اینکه بگوئیم بمریض گچ دادند خوب شد گچ ندادند خوب نشد یا فرمودند در باره نحوه طبابت فلانی چهار پنج آنتی بیوتیک نوشت مملکت ما در وضعی نیست که دولت برود پشت دست يك طبیب به نشیند و بگوید این آنتی بیوتیک را بنویس یا ننویس این وظیفه خاص ما پزشکان است بنده از پشت تریبون مجلس شورای ملی بهمکاران پزشکم بآنها که شاید زندگی مرفهی ندارند و در تهران زندگی می کنند توصیه میکنم استدعا و تقاضا میکنم که هم بخاطر خودشان و هم بخاطر عقده هائی که در مقابل سود سرشار عده ای دارند از تهران بیرون بروند بشهرستانها بروند مردم شهرستانها پاک اند، شادند، مهمان دوست اند، قدرشناس اند البته تهرانی ها هم همینطورند ولی آنها يك صفای دیگری دارند و نسبت به بیماران خودشان مهربان تر باشند بنده نوشته های زیادی داشتم که در همین زمینه است ولی باقتضای وقت نمی خوانم و دنباله شعری را که در ابتدای سخن عرض کردم يك بیت می خوانم و مرخص میشوم.

شکوفه بار شد درخت سلطنت

بیوکت بهار جانفزای او

(احسن-احسن)

رئیس - آقای شیخ رضائی بفرمائید.

شیخ رضائی - دوستان عزیز اولین یادداشتی که برآیم فرستادند که هم متأسف شدم و هم خوشحال نوشته‌اند که استخر گرمسار پیدا شد یا نه؟ الان توضیح میدهم در کلیات بودجه هم سرور محترم جناب رامبد مفصل صحبت کردند، فرزند سرزمین دلاور خیز آذربایجان زنتاب عزیز صحبت کردند، حکمت عزیز قاضی شرافتمند و پاکدامن دادگستری صحبت کردند، جناب دکتر رئیسی هم صحبت کردند و بعدنوبت به بنده هیچ نیارزنده رسید و این جزئیات را که من امروز بآن اشاره میکنم از کل تشکیل شده است و هرکلی از جزء باین جهت با اجازه شروع میکنم:

خالی از اغراض گر دلها شود

گوش باز و دیدگان بینا شود

جز بذکر راستی مگشای لب

تاد در رحمت بسویت و او شود (احسن)

جناب آقای رئیس - همکاران عزیز - زیست در عصر شکوفان انقلاب شاه و مردم که نتیجه مستقیم مجاهدات خستگی‌ناپذیر بزرگ مرد تاریخ شاهنشاه آریامهر میباشد برای ما که سربازان انقلاب و در مجلس عصر انقلاب عهده‌دار مسئولیت نمایندگی ملت هستیم ایجاب میکند تاریخ ملت خود را عموماً و دوران سلطنت پرافتخار شاهنشاه آریامهر را خصوصاً ورق بزیم و با شناخت عصر افتخار آمیز سلطنت ناجی ملت و پیام‌آور صلح و دوستی برای ملت‌ها یعنی شاهنشاه آریامهر بیانگر مکنونات قلبی ملتی بزرگ در این ساحت مقدس باشیم. ملت ایران بخود میبالد که رهبر انقلاب ایران مدام با افکار بلند و زرف خویش در فرصت‌های مناسب و مختلف گام‌های سازنده در راه سازندگی ایران عزیز بر میدارند. همین چند روز قبل که در نشست اعضای او بک شاهد تأثیر کلام و ارشاد پیشوای ایران در جهت قیمت‌گذاری نفت بودیم و بعین دیدیم و در مصاحبه مبارکش شنیدیم که باچه درایت و سیاستی افکار بلند شاهنشاه بمنصه ظهور رسید.

ملت ایران و نمایندگانش در مقابل عظمت اندیشه پیشوایش سر تعظیم فرود می‌آورند و بامید رسیدن بدر و آوازه‌های تمدن بزرگ لحظه‌ای از تلاش و کوشش دریغ ندارند. امتیاز بزرگ شخصیت جهانی شاهنشاه آریامهر در اینست که معظم له هیچگاه بابتکارات و اقدامات گذشته خود هر اندازه که بزرگ و پرسود بوده است اکتفا ننموده و در هر یک از فرصت‌های مناسب مبدائی برای تحولات تازه و عمیق برای ملت ایران بوجود آورده بگونه‌ای که اگر امروز ما دوران پرافتخار جنبش انقلابی ایران را بعنوان ادای حق شناسی ملت ایران یادآور شویم سخنی بجاکفته‌ایم.

دوران سلطنت اعلیحضرت همایون را تا با امروز باتوجه بحوادث و رویدادهای مختلف میتوان سه دوره متمایز تقسیم کرد:

دوره اول از شهریور ۱۳۲۰ تا اواسط سال ۱۳۳۲

دوره دوم از رستاخیز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا روز

تاریخی ششم بهمن سال ۱۳۴۱

دوره سوم از بهمن ماه ۱۳۴۱ تا با امروز.

در مرحله نخستی که بدان اشارت رفت مملکت در اشغال ارتش بیگانگان و دستخوش آشوب‌ها - بی‌نظمی‌ها - ناامنی‌ها و حوادث گوناگون بود تا جائیکه مردم کشور در داخل کوچه‌ها و خیابانهای شهرها و بخش‌های کوچک و بزرگ از امنیت فردی و اجتماعی محروم بودند.

فشارهای اقتصادی و محرومیت‌ها و تبعیضاتی‌های اجتماعی و بیسوادی آنچنان در سراسر ایران رواج داشت که محیط ایران برای تبلیغات سوء و خائسانه عمال بیگانه میدان بسیار مناسبی بود.

کشاورزان و کارگران محروم و ستمدیده ایرانی بانمام احساسات وطن‌پرستی و تعصب مذهبی که داشتند عده‌ای تحت تأثیر تلقینات سوء تبلیغات آن عمال بیگانه قرار میگرفتند.

بسبب ناامنی‌ها، اوضاع اقتصادی ایران روز بروز وخیم‌تر میشد. مدعیان اصلاحات اجتماعی فرصت را برای نیات پلید خود غنیمت شمردند پادشاه مصمم ما که در نخستین سالهای سلطنت خویش با آشفتنگی اوضاع مملکت و

ایران از امنیت و آرامش استثنائی برخوردار باشد و در سایه آن جامعه ایرانی و مملکت ایران آماده پذیرش تحولات عمیق اجتماعی گردد.

برای اینکه بریشه عمیق تحولات اجتماعی ایران بیشتر و بهتری بپریم چند کلام گهربار ذات اقدس شاهانه را در اینجا با افتخار و سربلندی بازگو میکنم.

«من تشخیص میدهم که قدرت سلطنت منکی بر قدرت ملی است و پایه‌های تخت و اورنگ پادشاهی بر قلوب مردم استوار است من خواهان آنم که ملت من از سعادت و نیک‌بختی و رفاه و آسایش و امنیت و عدالت و تندرستی بهره‌مند باشد و برای تمام این مقاصد حداکثر مساعدی خود را بکار خواهم برده.

این کلام شاهنشاه ایران در سال ۱۳۲۶ است که با آشوب‌ها و ناامنی‌ها و عدم رضایتها و مداخله بیگانگان و تحریکات عمال آنان روبرو بودند.

این بیان ملوکانه ریشه و انگیزه اصلی تمام تحولاتی میباشد که تحت عنوان اصول دوازده‌گانه انقلاب شاه و مردم بمرحله اجرا درآمده است.

در سایه اجرای اصول انقلاب شاه و مردم آنچنان امنیتی در ایران بوجود آمده است که ما توانسته‌ایم در این دوره از سلطنت با عظمت شاهنشاه آریامهر بابتکار و پافشاری معظم له در استیفای حقوق ملت ایران از منابع سرشار نفتی توفیقای چشمگیری تحصیل و برنامه‌ای برای دگرگونی جامعه و ازدیاد درآمد سرانه مردم با فعالیتهای عمرانی بنام برنامه پنجم عمرانی تدوین شود که نمونه بارزی از تمام عظمت و نتایج مطلوب اجرای اصول انقلابی شاه و مردم است.

با اقرار و اذعان باین نکته که انقلاب ایران اساساً برای رفع محرومیت‌ها و از بین بردن تبعیض‌ها و تعمیم آموزش و بسط عدالت برقرار شده است همه‌مان نیز بنام حزب و دولت و نماینده ملت از ثمرات آن برخوردار شده‌ایم.

من بنام نماینده مردم و عضو حزب مردم بشکرانه برخوردار از ثمرات انقلاب بزرگ شاهنشاهی ایران و در آستانه پیکار همگانی برای رسیدن بدر و آوازه‌های تمدن بزرگ هوشار میدهم که ما باید در کمال صداقت

نامنی‌ها و تحریکات و حیل‌ها و تزویرها روبرو بودند تمام نبوغ و کیاست و فراست خود را بکار بستند و در برابر همه حوادث آنچنان صبر و شکیبائی نشان دادند و از همان ایام آنچنان در برابر سران کشورهای بزرگ دانائی و بینائی و منطق ارائه کردند که سرانجام بر تمام مشکلات فائق آمدند.

شاهنشاه مصمم ما ضمن اینکه با مشکلات مقابله میفرمودند علل مختلف آشوب‌ها - عصیانها - ناامنی‌ها و تأثیر تلقینات سوء عمال بیگانگان را در افراد محروم ایران شخصاً رسیدگی میفرمودند و پایه تحولات بزرگ اجتماعی امروز را با بلند نظری و ویژه‌ای پیش‌بینی میکردند بهمین علت وجود مؤثر و مصمم پادشاه توانای ما بکرات مورد سوء قصد بیگانه پرستان قرار گرفت که ۱۵ بهمن و ۲۱ فروردین از خائسانه‌ترین آنها بشمار می‌آید.

مشیت الهی پادشاه ما را برای ایجاد تحولات بزرگ و عمیق اجتماعی و عظمت ایران از همه این بلیات و مخاطرات نجات بخشید.

به‌یمنی که باشاه ولایت بسته‌ای شاها

همیشه در پناه و سایه این خاندانستی در دوره دوم عصر پادشاهی شاهنشاه ایران با ابراز شهامت در عقد قرارداد نفت و تقویت بنیه اقتصادی مملکت و تجهیز قوای دفاعی کشور و بسط امنیت و احقاق تدریجی حقوق حقه ملت ایران پایه‌های اصلی و اساسی دوره سوم گذاشته شد.

در دوره دوم بود که برنامه‌های فعالیتهای عمرانی بمرحله اجرا درآمد - بازار اقتصادی و کسب و کار بتدریج رونق یافت و حقوق ملت ایران از منابع نفتی با اصرار و پافشاری و موقع‌شناسی مطالبه شد.

با احداث سد‌ها و ایجاد راه‌ها و تأسیس کارخانه‌ها و ازدیاد نیروی برق و توسعه شبکه‌های توزیع آن - ایجاد شبکه‌های آبرسانی و لوله‌کشی و توزیع آب پایتخت و سایر شهرهای ایران - تأسیس دانشگاه‌های جدید و مدارس حرفه‌ای و وضع قوانین مفید نخستین آثار مظاهر تمدن صنعتی و اجتماعی بوجود آمد و ملت ایران با بنده مملکت امید زیادی پیدا کرد. تقویت نیروی دفاعی و امنیتی مملکت باعث آن شد که در آشوب خاورمیانه کشور ما

در اجرای صحیح اصول انقلاب شاه و مردم کوشنده و مجاهد باشیم.

تمام اصول انقلابی انقلاب شاه و مردم از جمله اصل دوازدهم که مربوط به انقلاب اداری است برای ما که سربازان جانباز منشور انقلابی ایران هستیم وظیفه‌ای بس حساس و مسئولیتی مهم تعیین کرده است اعلام بزرگترین بودجه تاریخ ایران بصرف سنگینی ارقام آن بتهائی برای ترقی و تعالی ملت کافی نیست.

ایمان - صداقت، صمیمیت مجریان کشور و ملت ایران را در اجرای برنامه‌های مترقی موفق و مؤید خواهد داشت.

پیش بینی اضافه اعتبار برای پاره‌ای از دستگاهها که انقلاب اداری را فراموش کرده و بر اساس رابطه بجای اجرای ضوابط باعمال نظر مشغول هستند تردید نیست بجای نیل بکمال مطلوب بدینی و عدم رضایت بوجود خواهند آورد.

در این بودجه ۱۳ رقمی جناب دکتر مجیدی با اصطلاح بودجه ۱۲ با اضافه یک رقمی اشاره بدستگاههایی خواهم کرد که از این بودجه دولت یابا نهماکمل میشود یا وابسته بدولت هستند اولین دستگاهی که صحبت میکنم و خیلی دلم میخواست که استاد عزیز بنده که افتخار شاگردی شان را داشتم جناب دکتر سام وزیر محترم کشور یا معاون محترم پارلمانی ایشان اینجا تشریف داشتند (صدری کیوان - خانم صوفی مریض هستند) خیلی متشکرم که شما علاوه بردفاع از بودجه از ایشان هم دفاع کردید عرایض بنده از شرکت واحد اتوبوسرانی شروع میشود (بکنفرانز نمایندگان مربوط بوزارت کشور نیست مربوط بشهرداری است) ولی مثل اینکه وقتی دوست عزیز من آقای فرهادپور سوالی از شرکت واحد اتوبوسرانی تهران طرح کردند

جناب دکتر سام آمدند جواب دادند خیلی جالب است که ما همیشه از بودجه دولت هر سال باین شرکت واحد کمک میکنیم و آقای دکتر مجیدی باصراحت و صداقت برضشان میرسانم مجریان امروز شرکت واحد با انقلاب اصلاحات

ندارند چون امریه صادر شده که زمان صحبت کوتاه باشد خواهش میکنم کاری نکنید و وسط صحبت من چیزی نگوئید که من مدارکی را ارائه دهم که چه کارهائی در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران میشود (نمایندگان - بفرمائید، بفرمائید) چشم، همین شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه که کارکنانش در قلب پایتخت صفر عدم رضایت از نحوه مدیریت مدیران برگزیده این معشهری خوش حساب سر داده‌اند و از اقدامات نابخردانه مدیران شرکت اظهار عدم رضایت و اعلام شکایت نموده‌اند در خور رسیدگی است.

نحوه مدیریت مدیران شرکت واحد که در اینجا هیأت مدیره سه نفری شرکت واحد مورد توجه است از لحاظ علمی بگونه‌ایکه در دانشگاههای ایران از آن بحث میشود نیست بلکه فقط متکی باندیشه همشهری خوش حساب شهردار باتدبیر!! پایتخت است.

من در تقسیم مراحل سلطنت شاهنشاه آریامهر در جائی سخنانی از ذات شاهانه که در خصوص طبقات مختلف مردم بیان فرمودند تکرار کردم و توجه کردید که شرایط رضایت شاهانه چگونه است ما اکنون در عصر شکوفان انقلاب قرار گرفته‌ایم نباید اقدامات بنحوی صورت گیرد که بخاطر خودخواهی‌ها و تحصیل امتیازات فردی باصول مقدس انقلابی ایران لطمه‌ای وارد آید وقتی کارخانه‌ای در جاده کرج کارگزارش مرفه و از تمام مزایای قانون کار به‌حداکمل استفاده میکنند در شرکت واحد اتوبوسرانی برای کارگران با انعقاد پیمان دستجمعی با رعایت موازین قانونی و برقراری حداقل امتیاز ممکن برای کارگران عصر انقلاب حق کشتی و بیمه‌ری‌رو داشته‌اند.

برای کارمندان با پذیرش وظیفه‌ای که سالها فراموش شده بود و اجرای ظاهری آییننامه استخدامی شهرداری که شرکت واحد بنام مؤسسه وابسته بشهرداری آنرا مشمول میشد لطمه بزرگی باعتقاد و ایمان کارمندان وارد آورده است و امروز طوفان نارضائی و شکایت کارکنان شاه دوست و وطنپرست و زحمتکش شرکت واحد از دست مسئولین خودرأی شرکت واحد اتوبوسرانی در همه جا بجشم میخورد.

وقتی کارگری در یکی از کارخانجات با کارگر شرکت واحد اتوبوسرانی تهران که خانه‌شان پهلوی همدیگر است با هم بحث میکنند این کارگر شرکت واحد نسبت بامور چگونه قضاوت خواهد کرد؟

جناب آقای شهردار به جناب نخست وزیر صراحتاً نوشته‌اند برای تطبیق وضع کارمندان و کارگران و رفاه حال آنها ۲۰ میلیون تومان بدهید و طبق مدارکی که دارم جناب نخست وزیر این ۲۰ میلیون را فرستاده‌اند ولی برای فردا که ما در آستانه برنامه پنجم عمرانی کشور هستیم آقای دکتر مجیدی یادآور شدم در شرکت واحد با رعایت موازین قانونی با انعقاد پیمان دستجمعی که تاریخ اجرای آن ۵۰/۷/۱ توافق شده حداقل حقوق ممکن برای کارگران عصر انقلاب تعیین شد.

بسیاری از مواد پیمان که در تاریخ ۵۲/۱۱/۲ مدت آن منقضی میگردد اجرا نشده است.

بر اساس پیمان وجدول دستمزد با اینکه گره‌گشای کارگران نبود و فزونی بخش نارضائی‌ها گردید احکام کارگران صادر شد ولی دستمزد مربوطه و مابه التفاوت آن بویته فراموشی سپرده شد اقدامات تکسان دهنده کارگران زحمتکش شرکت واحد که سربازان غیر مسلح شاهنشاه آریامهر میباشند شرکت واحد را از خوابی سنگین بیدار ساخته است.

این بار هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت واحد از دانش برنامه ریزی خود استفاده کرده برای پرداخت مطالبات کارگران بموازات برنامه ۵ ساله عمرانی کشور برنامه چهار ساله تنظیم و دستور اجرا داده‌اند باری دولت بزرگترین بودجه تاریخ را اعلام میکند و در بودجه کمک چشمگیری از طریق شهرداری برای شرکت واحد منظور میگردد ولی مدیران شرکت واحد در مقابل عظمت بودجه و برنامه دولت برای پرداخت دستمزد برنامه دراز مدت تدارک دیده‌اند.

آیا این مغزهای ناموفق قادر با اجرای برنامه‌های موفقیت آمیز و منطبق با منشور انقلابی انقلاب سفید شاه و مردم خواهند بود؟

مجاسبه تمامی سوابق خدمت کمک رانندگانی که راننده شده‌اند و رانندگانی که بموجب امریه شماره

۹۵۲۲ مورخ ۶/۶/۱ نخست وزیری با گواهینامه پایه دوم همگانی برای رانندگی اتوبوس‌ها استخدام شده بودند از نظر دور ماند و اخیراً در مقابل اعتراض شدید کارگران مربوطه شرکت واحد مقر باشنیه گردید و دستور اقدام لازم صادر کرد اما این بار رئیس قسمت کارگزینی اسامی رانندگان ذبح را از طریق سندیکا درخواست نمود تا پرونده‌ها را جهت صدور ابلاغ اصلاحی انتخاب نماید.

حیدر صالحی - آقای شیخ رضائی چون نمایندگان سندیکا انتخابی است و انتصابی نیست پس در صورت عدم اعتماد کارگران اگر دوسوم کارگران عضو سندیکا کتباً اعتراض داشته باشند طبق قانون سندیکائی انتخابات سندیکا تجدید میشود در غیر این صورت از تاریخ انتخاب نمایندگان سندیکا تا دوسال نمایندگان رسمی سندیکا میباشند لذا نمایندگان سندیکای شرکت واحد فعلاً از نظر قانون کار رسمیت دارند.

شیخ رضائی - خانها، آقایان واقعاً مایه تأسف است که رئیس قسمتی آنچنان از نعمت مدیریت محروم و بی اطلاع باشد و از نظر بایگانی فقیر و نامنظم که برای شناخت صاحبان پرونده‌هایی انجام دستور مدیر عامل را موکول بهمکاری سندیکا اعلام نماید.

آنهم سندیکائی که فقط در حدود بارأی ۱۷۶ نفر در مقابل بیش از ۴۰۰۰ نفر مسئولین انتخاب شده‌اند. رانندگان نسبت بگرداندگان سندیکا بعلت اینکه بعضی‌ها کار نکرده مزد میگیرند اعتقادی ندارند. شرکت واحد اجرای ضوابط را از کارگزینی میجوید. کارگزینی واجدین شرایط دریافت احکام اصلاحی را از سندیکا میخواهد و در این میان بوضوح با سرنوشت کارگر عصر انقلاب بازی میشود و رفتار شرکت با اینان عین رفتاری است که باتوپ فوتبال میشود.

من در اینجا صراحتاً میگویم کافی نیست که افراد مغرور و دورو و ناراضی تراشان شرکت واحد را در هر لباسی که هستند بشدت گوشمال داد باید در شرکت واحد فوراً نسبت بطرد افراد بیکاره اقدام شود و با صدور فوری احکام اصلاحی کارگران کلیه مطالبات آنان را

که ناشی از احکام قبلی و اصلاحی باشد بطوریکه جابجاری نماید.

کارگران عصر انقلاب کارگران آزاده‌ای هستند که بامر شاهنشاهی راه خود را انتخاب کرده و میکنند و بهیچوجه پذیرا گرزور و قلدری و اجحاف و بیعدالتی نخواهند بود.

من در اینجا از دولت میخواهم همانطوریکه مفتخر و مباهمی بتقدیم بودجه تاریخی هستند ناظر بر اعمال خرج تراشان نیز باشند و بمن جواب دهند که آیا رویه هیأت مدیره شرکت واحد را برای پرداخت مطالبات کارگران بطور چهار ساله تأیید میکنند یا خیر؟

سوگند عدل خداوندی، سوگند باندیشه بلند شاهنشاهی، سوگند بمنشور انقلابی انقلاب ایران که اقدامات پاره‌ای از مجریان امور با روح انقلابی انقلاب شاه و مردم مطابقت ندارد برای کارگران شرکت مدار هنوز مسأله آب آشامیدنی حل نشده است.

هنوز کارگران زحمتکش میادین احکام طبقه بندی خود را دریافت نداشته‌اند (حیدر صائبی - فردا صبح نمایندگان آنها با ما جلسه دارند شما هم تشریف بیاورید ساعت ۷/۵ که برای سربازان انقلاب وقت نامناسبی نیست این مطالب را مطرح کنید) هنوز کارگران زحمتکش شهرداری برای بدست آوردن حقوق اولیه خود در تلاش و پیکار هستند.

آقای دکتر الموتی دو سال پیش مسئولان امرین شرکت واحد و مسئولین سندیکا قراردادی بستند که نا این تاریخ اجرا نکرده‌اند چرا بقرارداد خودشان احترام نمیگذارند وقتی با سندیکای کارگران قرارداد می‌بندند مسئولین شرکت واحد بفکر اجرائیش هم باشند (دکتر الموتی - حزب ایران نوین خودش مدافع کارگران است و باین مطلب هم رسیدگی خواهد کرد. شما با این حرفها میخواهید که بهره‌برداری به نفع حزبان کنید) من مطلقاً از حزب ایران نوین صحبتی نکردم و اگر حقایقی را میگویم آیا این بهره‌برداری حزبی است؟ (قدردان - آقای شیخ رضائی شما با این فرمایشات نمیتوانید برای حزبان موقعیتی

کسب کنید) اگر بگویم مؤذن بانگ بی هنگام برداشت تکراری میشود.

کارمندان شرکت واحد نه از مرکز درمانی خود راضی هستند نه از بیمه بازنشستگی برخوردار شده‌اند.

مبالغ مکسوره از کارمندان که باید برای تأمین آتیه کارمندان باتشکیل صندوق بازنشستگی ایمن بخش فردای زندگی آنان باشد بصورت اداری و مامورداستفاده قرار گرفت و حتی آقایان هاشمی - دادگری اعضای هیئت مدیره - دکتر گرجی بازرس دولت و اکثر مأموران دولت در شرکت واحد بصورت وام از آن استفاده کردند و راضی نشدند در این رهگذر افلاگری از بدبختی ناشی از بدمی کارمندان مضطر گشوده شود.

در اجزای اصل آئین نامه نیز رابطه جانشین ضابطه گردید سوابق خدمت مأموران نظامی یعنی کارمندان که در خطوط کار میکنند بخصوص کنترلهای خطوط بهیچوجه در نظر گرفته و همه را یکجا و در یک پایه و مرتبه تطبیق نموده‌اند.

معذرت می‌خواهم آقای دکتر بطحائی موضوعی که عرض میکنم مطلبی است که شما باید فتوی بدهید می‌خواهم تطبیق بدهم وضع یک کارمند را با قانون استخدامیشان چون با آن کارمند مورد نظر تطبیق نمیکنند خودشان داخل شرکت واحد امتحان می‌کنند برای من روشن کنید این نمره‌ها را که داده‌اند یکی را می‌خوانم همه نمره‌ها اینطور است. دیکته ۲۰ انشاء ۲۰ حساب ۲۰ معدل ۲۰ میدانید چرا؟ برای اینکه برسد بانجا که مورد نظرشان است و تطبیق بکند. ولی سوابق یک کارمند ۱۷ ساله را در نظر نمی‌گیرند من معلم نمی‌دانم چطور ممکن است هر ۲۸ نفر تماشانشان در انشاء ۲۰ بگیرند (یک نفر از نمایندگان - چه اشکالی دارد؟) تمام دیکته‌ها ۲۰ و تمام انشاء و حساب بیست، این ممکن است؟

مسئول کارگزینی می‌آید بالاتر از ۶-۷ هزار تومان پاداش می‌گیرد به یک کارمند ۱۷ ساله شرکت واحد، آقای دکتر الموتی پاداش می‌دهند بعد از هفده سال ۵ تومان این

حکم رami خوانم: حسابداری نواحی سه‌گانه مقتضی است مبلغ ۵۰ ریال از محل پاداش سال جاری در وجه آقای . . . اسمش را هم بخوانم؟

دکتر تنکابنی - بابت چی؟

صدری کیوان - روزانه است.

شیخ رضائی - اجازه بفرمائید آقای صدری کیوان من و شما معلم بودیم آقای دکتر تنکابنی اجازه بدهید عرضم را بکنم این کارمند را می‌آورم پرونده‌اش را ببینید اگر این روزانه گرفته بود در پشت این تریبون از تمام مسئولین شرکت واحد معذرت خواهم خواست.

مظهری - مناسبت دارد؟

شیخ رضائی - مناسبت ندارد آقای مظهری اگر قرار است شما حرف بزنید بفرمائید اینجا شما حرف بزنید منم صحبت نمی‌کنم. من باعث صحبت می‌کنم که بالاتر از همه کینه‌هاست من می‌خواهم این نواقص رفع شود و بودجه دوازده بعلاوه یک رقمی شما بدون نقص باشد.

این تبعیضات هست، من می‌خواستم تقاضا کنم در یک کمیسیونی اینها را خدمت آقای دکتر الموتی بدهم. آقای دکتر الموتی اسم نمیرم باور کنید اضافه کار میدهند به شخصی که در شرکت واحد نیست در دو جا هم اضافه کار میدهند طبق ابلاغ هائی که من دارم و این کارمند ۱۷ ساله فقط ۵ تومان پاداش می‌دهند.

بانو صفی‌نیا - حتماً روزانه است.

شیخ رضائی - خانم، روزانه نیست انشاء الله وقتی به فرهنگ شمیران رسیدیم باهم صحبت خواهیم کرد. افرادی که ۲ الی ۱۷ سال سابقه خدمت دارند از نظر مفسران و مجریان آئین نامه استخدامی در شرکت واحد هیچ فرقی باهم ندارند - بنام باین اندیشه بلند مسئولین شرکت واحد اتوبوسرانی که معنی عدالت و مساوات را بدینگونه فهمیده‌اند.

ولی افرادی هستند که بستگی بامدیر مالی دارند تصویب نامه می‌گذارند که ماشین بیکان زیر پایش بگذارند و به شرکت واحد هم نمی‌آید. استدعا دارم یک کمیسیونی تشکیل بدهید که تمام این مطالب را در آن کمیسیون

بعرض برسانم مدارک را بدهم رسیدگی بکنید تا این معایب رفع شود آنوقت شرکت واحد هیچ احتیاجی به کمک دولت نخواهد داشت وقتی مدیر مالی بامدیر اداری درباره پست بعدی باهم سازش می‌کنند کارمند را فراموش می‌کنند. وجدان کار در عصر انقلاب کجا رفته؟

من سؤال میکنم در این ۶ سال اخیر پایه ترفیعات حقوق کارمندان چه بوده و میزان اضافه حقوق اعضای هیأت مدیره چه مقدار؟

آری در شرکت واحد اعتبار لازم برای پرداخت مطالبات کارگران را ندارند اما توانائی دارند که تصویب نامه‌ای با شماره ۲۵۱ تاریخ ۵/۸/۵۲ ابلاغ کنند که برای آسایش دختری یکی از مدیران که اخیراً افتخار خدمتگزاری شرکت را بدست آورده بیکان کار اختصاصی اتباع نمایند که خوشبختانه دستور بموقع اجرا و سند طی شماره ۲۰۰۷ تاریخ ۶/۹/۵۲ بحساب گذاشته شد.

در شرکت واحد با داشتن تشکیلات عربی و طویل بازرسی اخیراً آقای مدیر عامل یکی از بستگان خود را که کارمند رتبه ۷ شهرداری است بشرکت منتقل و با عنوان بازرس ویژه پول کافی و وسیله لازم در اختیارش گذاشته است. من سؤال میکنم این فرخ‌رئیس دانا چه کار ارزنده‌ای در جهت بهبود شرکت واحد در قالب بازرس ویژه در شرکت واحد انجام میدهد؟

اگر آن تصویب نامه را هم بخواهید شماره‌اش را بگویم تصویب نامه دیگر گذراندند ۲ تا ماشین دیگر خریدند که آن ماشینی را که من شماره‌اش را می‌دانم فراموش شود وقتی امریه شاهنشاهی صادر میشود و جناب آقای هویدا پی‌گیری باین امر میکنند که رفیق‌بازی و دوست بازی موقوف شود، بعد از این امریه من کارمند شرکت واحد ناظر میشوم که یکی از بستگان این سه نفر آنآ استخدام می‌شود یک اداره برایش درست میکنند در صورتیکه آقا بشرکت نمی‌آید پولش را هم میگیرد همین چیزهای کوچک است که همه را بدین میکند. بیائید یکدل و یکریان باشیم اگر حرفی زدم اشتباه بود معذرت خواهم خواست هر جائیکه شما بگوئید می‌آیم این مدارک را

ارائه میدهم. برای اینکه کار بهتر بگردد من و شما وقتی که این مجلس تمام میشود آقای دکتر المونی شما در دفتر کارتان، من در پای تخته کلاس فکر میکنم در این مجلس باهم همکاری کردیم و این ناراحتیها را رفع کردیم آن وقت است که من و شما افتخار می کنیم (احسنت).

دکتر دادفر - کارمندی هم اگر خطا کرده باشد باید مجازات شود.

شیخ رضائی - این خاصه خرجیها، این دهن کچیها، این بی اعتناهی بافکار حساس و قابل احترام کارکنان شرکت واحد تاکی باید ادامه یابد و اصولاً چرا اولیای شرکت واحد تا این حد نسبت بکارکنانش بی اعتنا هستند؟

آیا در بودجه ای که برای شرکت واحد در نظر گرفته اید تغییر ضریب حقوق کارمندان و ۲۵٪ مورد تقاضای آنان در آن منظور گردیده یا خیر؟

جناب آقای دکتر بطحائی عزیز در این جزیانات از بعد از فروردین شمایست در صدا اضافه منظور کردید درست است این کارمندخانه اش بغل خانه کارمند شرکت واحد است ۵ سال آقای نخست وزیر دستور دادند اینها هم قول می دهند ولی امروز و فردا میکنند من شاهد بودم گفتند تا عید صبر کن از بیست درصد اضافه استفاده کن این تفاوتها چه میشود؟

آنچه نصیب کارمندان و کارگران شرکت واحد است فقط وعده و وعید و دهن کچی و بی اعتنائی است. و آنچه نصیب منسوبین مدیران است پول است و امکانات.

آیا کارکنان شرکت واحد حق ندارند بحزب مردم بیایند و نیاز و مشکلات و خواسته های خود را عنوان کنند؟

این عزیزان بی جهت که در شرکت واحد کنگر خورده و لنگر انداخته اند باید بدانند که در عصر شکوفان انقلاب کارکنان شرکت واحد بموازات برخوردار از ثمرات انقلاب در پاسداری از آن لحظه ای درنگ و تسامح را جایز نمیدانند و مجال بیکه تازی بیچاره ای که در صداقتشان تردید دارند نمیدهند.

من معذرت میخواهم جناب دکتر المونی قبل از اینکه افتخار نمایندگی نصیب بشود با شهادت دوستان نماینده در حزب مردم افتخار این را داشتم که برای طبقه جوان در حزب مردم فعالیت کنم آمدیم برنامه ای گذاشتیم که در آخر هر سال مسابقات درسی بین شاگردان ممتاز کلاسهای ششم بگذاریم و ناظر بودم که این مرد بزرگوار جناب آقای رامبد بلیط هواپیما و پول نقد دادند برای تشویق شاگردان پول نقد دادند برای بعضی از حرفهائی که الان ممکن بود جواب بدهید بلیط برای ۸-۹ نفر دادند اما منظورم این بود که وقتی بوزارت آموزش و پرورش مراجعه کردیم بعنوان حزب مردم، حزبی که من هنوز نماینده اش نبودم وزارت آموزش و پرورش نهایت کمک را با ما کرد که ما این مسابقات را در دبیرستان رضاشاه کبیر برقرار کنیم و تمام دوستان منم کمک کردند و بیک اعتراض بدستگاه وزارت آموزش و پرورش نرسید وزارتخانه ای که وزیرش حزبی است معاون محترم پارلمانی آن حزبی است و اکثر مدیرهای حزبی بودند برای ما کارشکنی نکردند، نهایت تشکر (احسنت). اما ما و شما، من بعنوان حزب مخالف و شما بعنوان حزب موافق، من کتمان نمیکنم، این رویه را می پسندید که بزور فردی را وادار کنید که بشکلیاتی بیاید؟ من و شما پیرو این اصل هستیم که شاهنشاه فرمودند در همه چیز آزادی داریم بجز آزادی در خیانت بکشور. پس حزب موافق و مخالف هر دو در راه اجرای منویات شاهنشاه قدم بر میدارد و هر دو نسبت ببرنامجهایی که ارائه میدهند فعالیت میکنند کارگر آزاد است ببیند این برنامه درست است یا آن برنامه و بهر کدام از این احزاب خواست برود ولی شرکت واحد خلاف عقیده شما را دارد و این درست نیست. بذات خداوند قسم اینکار را میکنند، شرافتم در گرو این کلام است.

یکنفر از نمایندگان - کمیسیون عضویت ما آقای شیخ رضائی خیلی سخنگیر است و باین صورت نیست که میفرمائید.

شیخ رضائی - ولی اینکار را میکنند.

مظهوری - کارگر ما در آن سطح نیست که بتواند

باو تحمیل کنند که بکجا برود. امروز کارگر تشخیص میدهد.

قدردان - آقای شیخ رضائی دوران این عوام فریبها دیگر گذشته است.

فرهادپور - کارگر عوام نیست و کسی هم عوام فریبی نمیکند.

شیخ رضائی - شما که قدرت زیادی در کنترل کردن دارید دانشمند محترم، بینده هیچ نیارزنده با زبان الکن اجازه بدهید عرایضم را بکنم، این تریبون، این آزادی برای شما هم هست. من عوام فریبی نمیکنم دوران عوام فریبی هم گذشته است (احسنت).

قدردان - کارگر هم خوب تشخیص میدهد، کارگر میدانند. شما اگر بسازمان کارگران سری بزیند متوجه خواهید شد که تمام مشکلات شما را کارگران در آنجا مطرح میکنند و نتیجه هم میگیرند.

شیخ رضائی - آنچه استاد ازل گفت بگو میگویم. صحنه سازی - جنگ اعصاب - حمایت از بیکاره ها - دسته بندی در امور شرکت واحد باید موقوف شود.

مدیران باید بوظایفی که قانون مقرر داشته آشنا باشند و هدفی جز خدمت بکارکنان شرکت واحد که خوشنودی ذات شاهانه در آنست نداشته باشند هیئت مدیره فعلی شرکت واحد همراه باشهدار تهران در چند سال اخیر با بودجه ای که در شرکت خرج شده عملاً ناتوانی و نارسائی کار و فکر خود را باعتبار صفوف طولانی مسافران که وجود دارد ثابت کردند باید دولت در کار شرکت هماهنگ دخالت نظارت وسیع تری داشته باشد و بیش از این سرمایه شرکت را هدر ندهند و کارکنانش را ناراضی نسازند.

مردم در ازای پرداخت مالیات و تقویت بنیه مالی دولت که موجب عرضه بودجه تاریخی میگردد انتظار رفاه و آسایش دارند.

شرکت واحد را میتوان با کمک کارگران و کارمندان صدیق و فعال آن بصورت پایگاه خدمتگزاری بیشتری در آورد.

باشگاه ورزشی واحد که در رأس آن شخصی قرار دارد با فرق اتحادیه یک در شرکت بگیرد بطور تمام وقت

در خدمت فروشگاه تعاون شهر و روستاست و ضمناً افتخار خدمتگزاری در باشگاه ورزشی دیگری را نیز داراست.

شرکت واحد بابت حقوق مریمی - مصرف آب و برق و تلفن و سایر نیازمندیهای باشگاه اعتبار لازم دارد ولی در کنترل درآمد که ناشی از رشته های مختلف باشگاه احساس مسئولیت نمیکند.

در شرکت واحد آنقدر هرج و مرج و خودسری برقرار است که ماشین نویس عضو هیئت مدیره و مدیر اداری شرکت خود را مجاز میداند از طرف رئیس باشگاه نامه های اداری بنویسد که نمونه آن نامه شماره ۴۰۴/۶۹ مورخ ۵۷/۲/۲۵ میباشد.

امر اکید شاهنشاه تأمین رفاه و آسایش طبقات زحمتکش است ولی شرکت واحد کوچکترین اقدامی در جهت تأمین رفاه کارکنان فاقدمسکن شرکت واحد بعمل نیاورده و باینکه زمین باندازه کافی در اختیار داشته و دارد بجای بهره برداری برای خانه سازی بوقت گذرانی مشغول است.

در شرکت واحد میلیونها تومان برای خرید اتوبوسهای بزرگ و طبقه سرمایه گذاری شده ولی بسیاری از اتوبوسها در کمترین دوره بهره برداری بعلت عدم دقت کافی در مونتاژ انواع اتوبوسها بسرو صدا افتادند و حتی گروهی را عقیده بر اینست که بسیاری از موتور اتوبوس ظرفیت کشتش ۵ تن را ندارند و بهمین علت در کمترین مدتی که مورد بهره برداری قرار میگیرد موتور اتوبوس احساس تعمیر اساسی پیدا کرده و میکند.

من در خصوص شرکت واحد با این اعتقاد که کارگر و کارمند ناراضی هستند و مدیران شرکت در انجام امور ناتوان میباشند از جناب دکتر سام استاد عزیزم میپرسم آیا موافقت دارند و ترتیبی میدهند که عده ای از کارگران و کارمندان مطلع رود در روی اولیای شرکت و نمایندگان وزارت کشور و نخست وزیری بنشینند و مشکلات را به بحث بگذارند تا سیه روی شود هر که در او غش باشد.

بنده پیشنهاد میکنم جناب دکتر مجیدی که يك کمیسونی تشکیل بدهند به این پرونده ها رسیدگی بفرمایند

بنده و سایر دوستان در آن کمیسیون خدمت می‌رسم تا رسیدگی بفرمایند، اگر اشتباه بود تمام حرف‌هایم را پس می‌گیرم. و چون می‌بینم که قیافه‌ها خسته است از تندنویس‌های شرکت واحد اتوبوسرانی (خنده نمایندگان) معذرت می‌خواهم، تندنویس‌های مجلس شورای ملی خواهش میکنم اینها را در صورت جلسه بنویسند.

رئیس - آقای شیخ رضائی اینها اگر شکایت دارند چرا به وزارت کار مراجعه نمی‌کنند؟ وزارت کار باید به شکایاتشان رسیدگی کند.

شیخ رضائی - اجرای قانون کار در شرکت واحد بدست فراموشی سپرده شده است.

۱- عدم اجرای کامل ماده ۱ قانون کار.

۲- عدم اجرای ماده ۳ از قانون کار.

۳- عدم اجرای کامل ماده ۱۱ قانون کار درباره ساعات کار کارگران.

۴- عدم اجرای تبصره ۲ از ماده ۱۱ قانون کار.

۵- عدم اجرای تبصره ۳ از ماده فوق.

۶- ماده ۱۲ کار درباره اشخاص مورد نظر شرکت واحد اجرا میشود.

۷- بند یک از ماده ۱۲ قانون کار درباره بلیط فروشهای شرکت واحد اجرا نمیشود.

۸- بند دوازده ماده ۱۲ بصورت یکجانبه از طرف کارفرما نقض شده است.

۹- ماده ۱۴ قانون کار بطور یکجانبه از طرف کارفرمای شرکت واحد نقض شده است.

۱۰- تبصره مربوطه ماده ۱۴ قانون کار بطور دلخواه از طرف کارفرما تعیین و اجرا میشود.

۱۱- اصل ماده ۱۵ قانون کار وسیله کارفرما تعریف و بدلخواه خودش عمل مینماید.

۱۲- تبصره ۲ از ماده ۱۵ قانون کار وسیله کارفرما نقض و بدلخواه خودش اجرا میکند.

۱۳- تبصره ۲ از ماده ۲۱ قانون کار از بدو تصویب و اجرای آن از طرف کارفرما نادیده گرفته شده و اجرا نمیگردد.

۱۴- ماده ۲۱ قانون کار بطور دائم از طرف کارفرما نقض شده است.

۱۵- عدم اجرای کامل ماده ۲۲ قانون کار در شرکت واحد.

۱۶- عدم اجرای کامل ماده ۲۴ درباره پرداخت حقوق و کسر آن.

۱۷- با اخذ تعهدات خلاف اصول از کارگران ماده ۳۱ قانون کار نقض میشود.

۱۸- قسمت دوم از ماده ۳۲ قانون کار وسیله شرکت واحد نقض میشود.

۱۹- قسمت اول ماده ۳۳ قانون کار وسیله شرکت واحد بطور یکجانبه نقض میشود.

۲۰- کارفرمای شرکت واحد قسمت ماده دوم ۳۳ قانون کار و تبصره ۳ از ماده ۱۵ قانون کار را درباره هیچیک از کارگران اخراجی اجرا نکرده است.

۲۱- باتوجه عمیق بماده ۱۰ قانون مدنی مسئولان شرکت واحد از قدرت خویش سوء استفاده نموده سوابق کار گذشته کارگران اتوبوسرانی را بدون هیچگونه مجوزی در موقع اخراج در نظر نمیگیرد.

۲۲- مسئولان شرکت واحد با ارائه دادن احکامی خلاف واقع خودشان تقریر نموده اند مزد کارگران را کمتر از آنچه که واقعتاً امرویه و روبرو پرداختی کارگران دستمزد بکارگران است قلمداد نموده و در موقع اخراج بیش از هزاران ریال در این مورد بخصوص زبان مادی متوجه کارگران اخراجی میسازند، متأسفانه نماینده کار استان تهران نیز با سکوت خویش برای اقدام خلاف قانون شرکت واحد صحنه میگردد.

۲۳- عدم اجرای کامل ماده ۳۷ و ۳۸ قانون کار و برخلاف صریح قانون کار ماده (۴۱) جرائم خلاف قانون از دستمزد ناچیز کارگران کسر مینمایند.

۲۴- عدم اجرای کامل ماده ۵۲ درباره بازرسی کار در کارگاه شرکت واحد.

بموجب امریه اکیدهما یونی در سال ۳۷ و ۴۲ درباره ایجاد تعاونی و پیشرفت آن در شرکت واحد پس از تشکیل شرکت تعاون مصرف نه اینکه شرکت واحد کمک نمیکند بلکه سدی هم برای پیشرفت آن میباشد.

۲۵- عدم قبول تصویبنامه مورخه ۶/۷/۴۲ هیئت محترم وزیران در امر خودداری از اخراج نمایندگان

منتخب کارگران موضوع تبصره ۲ الحاقی ۳ ماده ۳۳ قانون کار.

۲۶- عدم قبول توصیه نامه‌های سازمان بیمه‌های اجتماعی در مورد ارجاع کارسبک بکارگران که بر اثر سوانح ناشی از کار و غیره ناقص و علیل میشوند.

۲۷- عدم ارسال لیستهای مربوط بسازمان بیمه‌های اجتماعی در مواقع لازم و معین.

۲۸- طبق ماده ۶۹ قانون کار از وزیر محترم کار و دادگستری اجرای کامل مواد ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۲۱، ۲۲ و ۵۸ و دیگر مواد قانون کار تخلف کارفرما و سرپیچی از اجرای قانون کار و آییننامه‌های مربوطه و اجرای کامل آنرا از مقامات مسئول خواستاریم.

حالا قدری هم راجع به شرکت دخانیات بگویم یکی از برنامه‌های مفید دولت حمایت و تقویت تعاونی‌ها است که در صورت توفیق میتواند در تثبیت قیمتها و بکوتخت کردن آن مؤثر واقع شود و هم مانع بالا رفتن بی‌رویه قیمتها گردد و اگر دولت در سطح مملکت در این مورد موفقیتی کسب می‌نمود قطعاً این گرفتاری اخیر مبتلا به مردم نمی‌گردید و این همه صرف هزینه جهت مبارزه با گرفتاری و نیش و حتی کار بجائی نمیرسد که شاهنشاه تا آن درجه حساس شوند که بفرمایند

چنانچه دولت نتواند جلوی گرانی را بگیرد از نیروی انتظامی شخصاً استفاده خواهند فرمود پس گرانی سرسام آور حتمی و قطعی است عدم توفیق دولت خدمتگذار نیز مسلم، حال برای نمونه یکی از کمک‌های بیدریغ را نسبت بیکدی از تعاونی‌ها، بعنوان مثال بعرض میرساند و تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. دوستی می‌گفت شرکت تعاونی دخانیات وارد بیستمین سال تأسیس و فعالیت خود میگردد و برای صحت عمل اداره کنندگان آن همین کافی که بگویم در سال گذشته روز تعاون مورد بازدید وزیر وقت کار قرار گرفت و بعنوان شرکت نمونه از آن یاد شد این شرکت در حال حاضر دارای در حدود ۲۰۰۰ نفر سهامدار سرمایه تقریبی در حدود سیصد هزار تومان و حجم معاملات سالیانه بالغ بر ۵ میلیون تومان و چون بیشتر معاملات شرکت با چک و سفته انجام میشود برای کمک بیشتر و تهیه جنس از زنان

مسئولین شرکت تعاونی از شرکت دخانیات تقاضای کمک و دریافت وام میکند از آنها سؤال میشود چه تضمین و وثیقه‌ای دارند اظهار میشود چند مورد ارائه و هر یک را که شرکت دخانیات قبول دارد انتخاب نماید. ۱- چون مطالبات تعاونی از طریق حسابداری دخانیات وصول میشود این خود تضمین خوبی است. ۲- موجودی های جنسی شرکت حاضر در فروشگاه. ۳- چک و سفته اعتباری.

هیئت مدیره تازه مسئولین شرکت دخانیات میگویند این کافی نیست دیگر چی؟ حالا به بینید مسئولینی که برای پرداخت وام به یک شرکت تعاونی این همه دنگ و فنگ دارند دیگر مسائل را چگونه حل و فصل مینمایند. از عمر دخانیات ۳۶ سال میگردد و تا اواخر سال چهل و نه امور اداری و کارخانجات در خیابان قزوین بود و هیچ مشکلی هم پیش نیامده بود ولی مصلحین و خیراندیشان آمدند امور اداری را به بهانه تنگی جا از هم جدا نمودند و از آن روز به بعد این تفاوتها حاصل گردید ظرفیت کارخانه بهمان میزان گذشته است یعنی در حدود پنجاه میلیون سیگار روز بانقریباً ۱۰ ساعت کار و تعداد کارگران در همان حدود سابق ولی کارمندان که در آن تاریخ نزدیک به پانصد نفر بودند در حدود نصف اضافه شدند و تعداد ۳۰ اتاق با کلیه وسائل آماده شد، مبالغ هنگفتی بابت بهای برق، آب، تلفن و هزینه ایاب و ذهاب بین کارخانه از خیابان قزوین تا خیابان ایرانشهر و کرایه ۲۵ تا سی هزار تومانی ساختمان کنونی شرکت، این ها کمترین خرجی است که یاد شد و هزاران نظر بلندی و سخاوتمندی های دیگر بعد کمک بشرکت تعاونی دخانیات دچار دست‌انداز کج سلیقه‌گی و لجاجت بازی مسئولین میشود.

۱- در باره پخش سیگار با داشتن این همه کارمند شرکت دخانیات پخش سیگار خود را در تهران به شرکت فرد دانش محول نموده و در قرارداد ۵۵ در صد از فروش سیگار مربوط به فروشنده و فرد دانش می‌باشد شرکت فرد دانش با ۱۲ کارگر و ۳ ماشین باری چنانچه ۴ درصد به فروشنده بدهد از روزی ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان سود می‌برد با وجودی که اینکار را خود شرکت

دخانیات مانند شرکت نفت می تواند انجام دهد سوال شود چرا اینکار را خود شرکت نمی کند مسئولین شرکت دخانیات از این سود خودشان غیر مستقیم سهم می برند .

۲- مدیر عامل دخانیات از آن روزیکه عهده دار شرکت دخانیات شد ضررهای زیادی به شرکت وارد آورده درباره سیگار اشنو پارس که می باستی برای نمونه مقدار کمی سیگار درست کند و به بازار بفرستد چنانچه فروش داشت دست به درست کردن بزندنه اینکه در حدود ۲۰۰ میلیون نخ سیگار درست بکند و بعد بفروش نرود و بربک کنند کاغذ باز کنند ، توتون بوراکی کند در ماشین بریزد .

۳- کارخانه برق شرکت که سه عدد دیزل آلمانی دارد که یک هزار و ۵۰ کیلووات در ساعت برق می دهد و ۲ عدد موتور انگلیسی در هر ساعت ۱۰۰۰ کیلووات برق می دهد که جمعاً در هر ساعت ۲ هزار و ۵۰ کیلووات برق می دهد و در ساعتی که به برق احتیاج نداشتند به برق شهر کمک می شد که بصورت تعطیل در آورده .

جناب آقای دکتر بطحائی ، جناب آقای قوام صدوری در بودجه سال گذشته صحبت کردم راجع به خانه سازی فرهنگیان جناب آقای نخست وزیر هم تشریف داشتند و تقاضا کردم که محبت بفرمایند و ریاست افتخاری هیأت مدیره را قبول کنند (خنده نمایندگان) من نمی دانم فرهنگیان کجایش خنده دارد که وقتی اسم فرهنگیان می آید دوستان ما خنده شان می گیرد . همی سوزد از مهر و گرمی دهد ، بسنگین دلان درس نمی دهد نه از کس امیدونه از کس هراس ، نخواهد بجز یک دل حق شناس ، معلم اینست خنده ندارد .

آقای دکتر بطحائی برای بنده این موضوع را روشن بفرمائید آقای نخست وزیر هم بعد از آن جلسه دستور فرمودند که کلیه اقداماتی که برای خانه سازی این طبقه شریف شده است بایشان خبر دهند . پس بمن بگوئید که مشکل کجاست ؟ این کی هشت که با خانه سازی معلمین مخالف است ؟ وقتی امریه شاهنشاه ، دستور نخست وزیر است ، انجمن شهر تصویب کرده است کی هست که

اجازه ساختمان برای این معلمین نمی دهد ؟ خیلی فهرست وار میخوانم

۱- شرکت تعاونی کارکنان وزارت آموزش و پرورش در تاریخ ۴۹/۱۲/۱۰ تحت شماره ۱۴۵۰۸ در اداره ثبت شرکتها رسماً به ثبت رسیده است .

۲- تعداد یک هزار و پانصد نفر سهام ده هزار ریالی شرکت را خریداری کرده اند .

۳- در تاریخ ۵۰/۳/۱۶ سازمان مسکن با واگذاری زمین برای احداث ۱۵۰۰ واحد آپارتمان از آراضی طرشت بشرکت موافقت نمود .

۴- ۲۰٪ بهای تقریبی سری اول آپارتمانها (۵۰۰ آپارتمان) از دو سال پیش پرداخت گردیده است .

۵- پیشنهاد یکی از بانکها برای در اختیار گذاشتن دویست میلیون ریال برای شروع ساختمان مورد قبول سازمان مسکن قرار گرفت .

۶- سازمان مسکن طی نامه شماره ۴۵۱/۶/۴۵۱/۴۵۱ مورخ ۵۰/۷/۲۶ توصیه نمود و طرح کلی در سه مرحله اجراء شود که مرحله اول تا ۵۰۰ آپارتمان باشد .

۷- در تاریخ ۵۰/۳/۱۶ نقشه های مقدماتی مورد موافقت و تأیید واحد خانه سازی سازمان مسکن قرار گرفت .

۸- در تاریخ ۵۰/۱۱/۳ قرارداد خرید زمین بین سازمان مسکن و این شرکت امضاء شد .

۹- در تاریخ ۵۰/۱۱/۲۷ قطعه اول زمین در اراضی طرشت بمساحت ۲۵۳۶۰ متر مربع تحویل گردیده و قطعه دوم بمساحت ۱۶۴۹۱ متر مربع میباشد .

۱۰- بهای کلی هر دو قطعه بمبلغ ۲۰۱۰۱۰۲۲ ریال پرداخت گردیده است .

۱۱- نقشه های اجرائی ۵۰۰ دستگاه آپارتمان آماده شد و در تاریخ ۵۱/۵/۱۷ شرکت ساختمانی رشه برنده مناقصه اعلام شد .

۱۲- در تاریخ ۵۱/۱/۸ واحد اراضی سازمان مسکن طی نامه شماره ۶۵/۴۰۴ اعلام نمود که چون طبق قرارداد شماره ۲۸۳۷ مورخ ۵۰/۱۱/۳ زمین طرشت باین شرکت واگذار شده احداث آپارتمان و

اخذ پروانه ساختمان از نظر سازمان مسکن بلامانع است .

۱۳- در تاریخ ۵۱/۱۲/۱۵ جناب آقای اصفیا وزیر مشاور و نایب نخست وزیر طی نامه شماره ۵۳۸۳۸ خطاب به وزیر آبادانی و مسکن اعلام نمودند که صدور پروانه ساختمانی و تأمین آب و برق بلامانع است و اضافه نمودند که جناب نخست وزیر نیز باین امر موافقت دارند .

۱۴- در تاریخ ۵۱/۱۲/۲۱ وزیر آبادانی و مسکن باتوجه بنامه جناب آقای اصفیا وزیر مشاور و نایب نخست وزیر طی نامه شماره ۵۹۸۳۷۰ موافقت خود را برای ادامه اقدامات شرکت اعلام داشته اند .

۱۵- در تاریخ ۵۲/۱/۲۵ وزیر آب و برق طی نامه شماره ۱۲۷۱/۲۲۵۲/۲۰۰ موافقت خود را بان تأمین آب و برق پانصد دستگاه آپارتمانهای این شرکت اعلام نمودند .

۱۶- در تاریخ ۵۲/۳/۲ شهرداری پایتخت پروانه ساختمانی را بشماره ۶۹۰۴ صادر و در تاریخ ۵۲/۶/۲۹ طی نامه شماره ۶۹۰۴/ش/باین شرکت ابلاغ نموده است ولی تاکنون از تسلیم آن به نماینده این شرکت خودداری و تحویل آنرا موکول بوضع ممنوعیت ساختمانی نموده است .

۱۷- در تاریخ ۵۲/۸/۵ جناب آقای هدایتی وزیر مشاور و معاون اجرائی نخست وزیر طی نامه شماره ۱۶۷۲۰ خطاب بوزیر آموزش و پرورش اعلام نمودند چنانچه شرکت مقاطعه کار بتواند سیمان مورد نیاز را از خارج وارد کند مراتب اعلام شود تا نظر نهائی را اعلام دارند .

۱۸- در تاریخ ۵۲/۹/۳ وزیر آموزش و پرورش طی نامه شماره ۶۱۵۶۵/۲ بعنوان جناب آقای هدایتی وزیر مشاور و معاون اجرائی نخست وزیر اعلام نمودند که شرکت تعاونی مسکن کارکنان وزارت آموزش و پرورش تأمین سیمان مورد نیاز آپارتمانها را از خارج کشور تقبل نموده و رفع ممنوعیت ساختمانی را خواستار شدند .

۱۹- در تاریخ ۵۲/۹/۱۰ شهردار پایتخت بدون توجه بمواقف قبلی مقامات مربوط واقدمات انجام

شده در سه سال گذشته و تمهیداتی که شرکت تعاونی فرهنگیان نموده است و بدون در نظر گرفتن ضرر و زیان و خساراتی که بمعلمان عضو شرکت وارد خواهد شد ، بر اساس تصمیمات جلسه مورخ ۵۲/۸/۲۲ شورای قانون نظارت برگسترش شهر تهران که علی الاصول نباید عطف به ماسبق بشود مخالفت خود را با صدور پروانه ساختمانی آپارتمانهای فرهنگیان اعلام داشته است .

۲۰- در جلسه ۲۹ انجمن شهر تهران طی نامه شماره ۴۸۲ با خانه سازی معلمین موافقت شد . سرکار خانم جهانبانی که افتخار میکنم اولین روز معلمی را در مدرسه شما شروع کردم بیائید بمن بگوئید این مشکل کجاست در جلسه ۲۹ طی نامه شماره ۴۸۲ مورخ ۵۲/۲/۲۵ موافقت انجمن شهر هم شده حتی این نشانی را هم جناب آقای دکتر بطحائی حضورتان بدهم که این شرکت تعاونی کارکنان آموزش و پرورش شیراز به انجمن شهر تهران نوشت و این تیمسار محترم هم که ارادت بایشان دارم خواستند تصویب نامه ای که شما گذرانده اید برای ما هم بفرستید ولی تا این تاریخ مشکل مسکن معلمین حل نشده است .

رئیس - آقای شیخ رضائی اینطور که شما بیان کردید آذرمه که زمستان است و زمستان هم نمیشود ساختمان کرد .

شیخ رضائی - مقام معظم ریاست همه جا به کمک می آیند گاهی بکمک من می آیند و گاهی به کمک وزیر آموزش و پرورش باین جهت من این سؤال را قرائت و تقدیم میکنم .

مقام معظم ریاست محترم مجلس شورای ملی در نهایت احترام استدعا دارد امر و مقرر فرمائید وزیر محترم آموزش و پرورش در جلسه علنی حضور پیدا کرده بشود زیر پاسخ دهد :

در مورد خانه سازی معلمان اولین شرکت تعاونی مسکن فرهنگیان که در سال گذشته ضمن بحث در بودجه جریان متوقف شدن آن بعرض مجلس شورای ملی

رسید. در این یکساله چه اقداماتی کرده‌اند و در چه زمانی امر احداث ساختمان شروع خواهد شد.

بانقدیم شایسته‌ترین احترامات -

علی اصغر شیخ رضائی

(ناطق سئوال را تقدیم مقام ریاست کردند)

رئیس - این سئوال را اول میخواندید زحمت شما کمتر بود (خنده نمایندگان).

شیخ رضائی - مطلب مهم است بیش از اینها باید صحبت شود این امر خانه سازی فرهنگیان باعث شده که بنده يك کمی در مورد شهرداری تهران مطالعه کنم شهردار تهران در جلسه انجمن شهر گفت تا پایان سال آینده خیابان اسفالت نشده‌ای در تهران باقی نخواهد ماند، من سئوال دارم آیا این جناب شهردار به باخچی آباد تشریف برده‌اند، آقای دکتر المونی عزیز این جا هم يك گوشه تهران است و شما قضاوت خواهید کرد که اقدامات شهرداری در آنجا چه بوده است.

بنده درخواست کارگران شهرداریهای تهران را بطور خلاصه بعرض میرسانم:

۱ - پیاده نمودن طبقه بندی مشاغل در اجرای فرمایشات ملوکانه طبق قرارداد مورخه ۵۱/۸/۲۹ مسئولین شهرداری با نمایندگان کارگران منعقد نمودند که از تاریخ ۵۱/۸/۲۹ طبقه بندی مشاغل را بمدت ۴ ماه پیاده و از تاریخ ۵۱/۱/۱ مابه التفاوت و اضافات آن را پرداخت نمایند.

متأسفانه تا این تاریخ نه طبقه بندی مشاغل پیاده گردید و نه مابه التفاوت و اضافات ۱۳ هزار کارگران شهرداری.

دو کپی قرارداد جهت صدق عرایض تقدیم میگردد.

دومین خواسته کارگران شهرداری تهیه مسکن است:

همانظوری که شهرداری برای عده‌ای از کارمندان بوسیله شرکت تعاونی تهیه زمین برای آنان اقدام نموده است و در حال حاضر با داشتن چندین محل زمینهای خالی منجمله:

۱ - جاده کرج ۲۰۰ هزار متر.

۲ - ۴۵ متری سیدخندان شمس آباد ۲ میلیون متر.

۳ - خانی آباد پشت اداره موتور ۱۲۰ هزار متر.

۴ - آیزنهاور ۱۵۰ هزار متر.

در تهیه مسکن کارگران هم میتواند در اجرای فرمایشات شاهنشاه آریامهر اقدام نمایند.

سومین درخواست کارگران شهرداری اجرای کامل قوانین کار و بیمه‌های اجتماعی است که بشرح زیر است:

۱ - نداشتن بهداشت کارگاه طبق ماده ۲ حفاظت بهداشت عمومی در کارگاهها.

۲ - جلوگیری از جرائم بی رویه کارگران در محیط کار که بوسیله رؤسای مربوطه انجام میگردد با وجودیکه در ماده ۲ آئیننامه شورای کارگاه آمده است: رسیدگی و اخذ تصمیم در مورد هرگونه شکایت راجع بروابط بین کارفرما و کارگر بعهده شورای کارگاه است، متأسفانه رؤسای شهرداریها بدون رعایت نمودن قانون کار مبادرت باخذ جرائم و یا باخراج کارگر بیگناه همت می‌گمارند.

۳ - نداشتن سالن تعمیرگاه تابستانی و زمستانی برای کارگران اداره موتور شهرداری طبق آئیننامه حفاظت فنی و بهداشت کار.

۴ - اضافه کار، کارگران شهرداری باید مطابق ماده ۱۲ قانون کار صورت گیرد؛ ماده ۱۲ میگوید: کار اضافی با موافقت طرفین و رعایت شرایط زیر مجاز خواهد بود.

۱ - برای هر ساعت کار اضافی باید ۳۵٪ درصد اضافه بر مزد هر ساعت کار بکارگر پرداخت شود.

۲ - کار اضافی نباید از چهار ساعت در روز تجاوز نماید بنابراین با شرح فوق اضافه کار اجباری نیست ولی در شهرداری اجباریست و اگر کارگری از اضافه کار امتناع ورزد او را جریمه یا اخراج میکنند و این عمل مغایر با ماده ۱۲ قانون کار است.

کارگران شهرداریها باید از ماده ۱۵ قانون کار یعنی از مرخصی استحقاقی سالیانه بهره‌مند گردند

متأسفانه در شهرداری بعضی از رؤساء واحد در هر موقع از فصول که مایل باشند بکارگران مرخصی میدهند که مورد اعتراض شدید کارگران قرار میگردد در ماده ۱۵ قانون کار آمده است: هر کارگر بازای دوازده ماه کار حق ۱۲ روز مرخصی با دریافت مزد را خواهد داشت در صورتیکه استفاده از ایام مرخصی استحقاقی کارگر بسال بعد موکول گردد استفاده از آن در سال بعد الزامی میباشد تاریخ استفاده از مرخصی با توافق طرفین تعیین میگردد بنابراین کارگران حق دارند که نسبت بمرخصی سالیانه خود اعتراض نمایند.

در شهرداری که کارفرماست و خودش دولتی است هنوز قانون کار و بیمه بطور کامل اجرایی نگردیده است و کارگران دور افتاده‌ترین نقاط مملکت که در مؤسسه خصوصی کار میکنند یکی از این موارد کارگران شهرداری علاوه بر کار کردن روز کاری بالا جبار آنان را بکار شب هم می‌گمارند و دیناری از بابت ۳۵٪ شب کاری بکارگران پرداخت نمی‌شود.

در ماده ۲۱ تبصره ۳ قانون کار آمده است: فقط بکارگران غیرنوبتی برای هر ساعت کار در شب ۳۵٪ درصد اضافه بر مزد ساعت کار عادی تعلق خواهد گرفت. و از همه مهمتر از بابت شب کاری شهرداری لیستی سازمان بیمه‌های اجتماعی نمی‌دهد تا کارگران از آن در مواقع ضروری استفاده کنند.

جهت اثبات، توجه شما را بعرایض زیر معطوف میداود بطوریکه در مطبوعات کشور هم بچاپ رسیده در سال گذشته سه نفر از کارگران شهرداری که شب کار میکردند بعلت نداشتن وسایل لازم در اثر گاز ذغال خفه شدند بازماندگان آنان از نظر دریافت مستمری ناشی از کار سازمان بیمه‌های اجتماعی مراجعه مینمایند مسئولین امور اظهار میدارند که شهرداری کارگران شب کار نداشته و تاکنون هم لیستی از بابت شب کاری بماند داده اند و ما هم نمی‌توانیم اتفاقی که در شب افتاده ناشی از کار تلقی کنیم در اینجاسئوال میشود که آیا مقصود بازماندگان آن کارگران متوفی است یا شهرداری و یا اینکه مسئولین سازمان بیمه‌های اجتماعی؟

بطور وضوح باید گفت که هر دو سازمان دولتی مقصودند که بپایند مقررات قانون کار و بیمه نیستند و خودسرانه کار میکنند و بدین وسیله میخواهند رعب و وحشت و ایجاد نارضایی بین کارگران ایجاد کنند و غافلند که کارگران امروز کارگران دپروز نیستند و آنچه حشاشان است و آنچه بیگانه حامی کارگران کشور شاهنشاه آریامهر اوامری در مورد رفاه عمومی کارگران سرتاسری کشور صادر میفرماید خواستارند و در اجرای فرمایشات پدر ناجدار خود تا خون در بدن دارند نثار خواهند نمود (صحیح است - احسنت).

وقت دیر است و نمایندگان محترم خسته هستند باین جهت خلاصه عرض میکنم. یکمقداری راجع بآموزش و پرورش صحبت کنم. آقای دکتر بطحائی جزوه‌ای منتشر شده است از دفتر هماهنگی برنامه‌ها و این جزوه تعداد دانش آموزان را از سال ۴۵-۴۶ تا ۵۱ و ۵۲ الی آخر نوشته است این نشریات پیشرفت کمی را نشان میدهند اگر خلاف این بود عجب بود مادر دوران انقلاب هستیم و پیشرفت سریع، اگر محصل کمتر از این بود عجب بود با همه این امکاناتی که در سایه انقلاب برای مملکت پیش آمده است اگر این پیشرفتهای کمی حاصل نشود جوابگو کیست؟ نکته این جا است که بنده بدو مطلب اشاره میکنم، این سئوال مرا هم امیدوارم جواب بدهید. شما میدانید که ما احتیاج زیادی بمعلم حرفه‌ای و تکنیسین داریم ما در اینجا معلم حرفه‌ای کم داریم خواهش می‌کنم بفرمائید که برای تأمین معلم حرفه‌ای و تکنیسین چه کرده‌اید تکنیسین باین معنی نیست که ما فقط در امور فنی تکنیسین داشته باشیم در تمام امور در ماشین نویسی منشیگری و غیره برای تربیت متخصص چه کرده‌اید کمبود معلم حرفه‌ای را از چه راهی میخواهید جبران کنید شما از این مدارستان میتوانید برای تأمین معلم حرفه‌ای استفاده کنید. از این دیدگاه های مامان پیشنهادی در سال گذشته کردم که به هیچیک از پیشنهادات من وزارت آموزش و پرورش جواب نداد یکی این بود که معلمین را درسود مدارس ملی شریک کنید.

۲ - برای معلمینی که در مدارس ملی کار میکنند و